



آزادی

ای شبابوز خونین بال تاریخ  
تابلدای و طمیر پروازتن

گرامی باد ۸ تیر، روز فدائیان جان باخته

محافظه کاران علیرغم مخالفت شدید افکار عمومی

در تلاش تغییر قانون مطبوعات اند

● روزنامه رسالت: هدف مقابله با شبانامه‌های ضد انقلابی است که در پوشش روزنامه منتشر می‌شوند  
● کامران از مدافعان طرح: هدف حاکمیت حزب الله بر روزنامه‌هاست  
● روزنامه خرداد: هدف سهولت توقیف روزنامه‌ها و دستگیری روزنامه نگاران است

در صفحه ۳

لایحه اصلاحی دولت در باره انتخابات هنوز در کشوری میز آقای موحدی ساوجی خاک می‌خورد!

به جز گروهی انحصار طلب که خواست خود را بر جامعه تحمیل کرده‌اند،

همه مردم ایران خواهان لغو نظارت استصوابی شورای نگهبان در

انتخابات مجلس هستند

عده‌ای از طلاب و روحانیون قم با ارسال نامه‌ای به آیت‌الله منتظری و پرسش از وی درباره نظارت استصوابی شورای نگهبان، مقام مذهبی و سیاسی معتبری را به صحنه درگیری وارد کردند. منتظری صراحتاً نوشت نظارت استصوابی به معنای ضایع کردن حقوق مردم است.

در صفحه ۲

سازمان قضایی نیروهای مسلح نام چهار نفر از قاتلین جنایات پاییز گذشته را اعلام کرد

## کسی باور نمی‌کند

گزارش سازمان قضایی فریبکارانه و برای نجات «ریشه» هاست

مردم نام، نشان و مجازات جنایتکاران اصلی را می‌خواهند

منتقل گردید، متأسفانه تلاش‌ها به نتیجه نرسید و در بیمارستان فوت کرد. به گفته نیازی با توجه به مدارک موجود و اعترافات صریح سعید امامی، وی هیچ گونه راه فراری نداشت و اگر با این اتهامات به دادگاه می‌رفت، حکم او اعدام بود.

محمد نیازی در ادامه گزارش خود گفت تاکنون ۲۳ نفر به عنوان متهم در این پرونده تحت تعقیب قرار گرفته‌اند که بعد از تحقیقات لازم، عده‌ای از آنان با سپردن وثیقه آزاد شدند و ۳۳ نفر به عنوان مطلع و گواه در این پرونده مطرح هستند. وی با اشاره به دستگیری ۳ نفر که اخیراً صورت گرفته است، گفت بعضی از دستگیرشدگان نیروهای اطلاعاتی و برخی نیز دارای شغل آزاد هستند.

روز یکشنبه ۳۰ خرداد، رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح که پیگیری پرونده قتل‌های زنجیره‌ای پاییز گذشته را برعهده دارد، آسامی ۴ تن از عاملان قتل داریوش فروهر، پروانه اسکندری، محمدجعفر پوینده، محمد مختاری و مجید شریف، که آن‌ها را «عاملین» اصلی خوانده است، اعلام کرد. محمد نیازی گفت: عاملین اصلی در این پرونده با توجه به تحقیقاتی که تاکنون انجام شده و مدارکی که به دست آمده، عبارتند از: مسطفی کاظمی، مسهرداد عالیخانی، خسرو براتی و سعید آسامی. وی در این اطلاعیه خاطر نشان کرده است: نفر آخر، یعنی سعید امامی همین دیروز اقدام به خودکشی کرد و با این که سریعاً به بیمارستان تخصصی

رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح درباره انگیزه و هدف قاتلان روشنفکران و آزادی خواهان کشور گفت: ابعاد گسترده این قضیه ما فکر می‌کنیم هنوز کامل نشده ولی تا آنجایی که تحقیقات نشان می‌دهد نکات صریحی در این پرونده وجود دارد. یک مرحله از هدف و انگیزه این قتل‌ها و عاملین اصلی و طراحان این قضیه این بوده که نظام را در عرصه بین‌المللی و در عرصه داخلی با مشکل و بحران مواجه بکنند، بین مسئولان طراز اول کشور اختلاف ایجاد بکنند، بدبینی ایجاد بکنند و نظام و دولت اسلامی را با مسایلی درگیر کنند تا به مسایل اصلی نتوانند بپردازند.

پیرامون گزارش نیازی تأکید بر چند نکته ضروری است:

## پیروزی کارگران در مقابله با نیروهای ضدکارگری

مجلس طرح اتاق بازرگانی برای تغییر قانون کار را مسکوت گذاشت

مجلس شورای اسلامی کلیات طرح «معافیت کارگاه‌های کمتر از سه نفر از شمول قانون کار» را علیرغم اعتراضات کارگران، مخالفت وزارت کار و کمیسیون کار و امور اجتماعی مجلس و رای منفی ۹۳ نفر از نمایندگان با اکثریت ۱۰۸ رای به تصویب رساند. ولی بررسی جزئیات آن را به پیشنهاد یکی از نمایندگان به شش ماه بعد موکول کرد.

این طرح که از حمایت بخشی از کارفرمایان برخوردار است، توسط اتاق بازرگانی و عده‌ای از نمایندگان وابسته به جناح حاکم به مجلس ارائه شده بود. ارائه‌دهندگان این طرح مدعی‌اند که طرح آن‌ها اشتغال‌زای بوده و در صورت تصویب آن، بیش از دو

میلیون شغل در کشور ایجاد خواهد شد. اما واقعیات مغایر ادعای آن‌هاست. به عنوان نمونه می‌توان به طرح بخشودگی سهم کارفرمایی حق بیمه در کارگاه‌های زیر ۵ نفر اشاره کرد. آمارهای نشان می‌دهد در فاصله سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۷۵، نیروی کار در کارگاه‌های ۵ تا ۹ نفر بطور چشمگیری کاهش یافت. علت عمده آن همین قانون بخشودگی بیمه بود. از زمان اجرای این قانون، کارگاه‌های ۵ تا ۹ نفره، به تدریج کارکنان خود را برای استفاده از بخشودگی‌های قانونی مرتباً کاستند که در نتیجه ۴۱۸ هزار و ۲۵۵ نفر به خیل بیکاران افزوده شدند.

جنایت تازه علیه مجاهدین در عراق

ماشین کشتار جمهوری اسلامی کماکان فعال است

تجاوز پیچیده و گستاخانه به قلمرو یک کشور دیگر و ارتکاب قتل در آنجا، نشانگر آن است که ماشین کشتار جمهوری اسلامی کماکان فعال است و این حکومت آنجا که پای سرکوب مخالفان به میان می‌آید، پایبند هیچ ضابطه حقوقی و ملاحظه سیاسی نیست.

در اینجا سخن بر سر سیاست سازمان مجاهدین خلق ایران نیست. ما بارها اعلام کرده‌ایم که مخالف شیوه‌ها، رفتارها، اقدامات و سیاست‌های این سازمانیم و تروریسم را مغایر با منافع جنبش مردم ایران برای دموکراسی و حقوق بشر می‌دانیم. اما سخن بر سر چیز دیگری است. سخن بر سر این است که مقاصد واقعی حکومت را نه با ادعاهای آن، که با اعمالش باید سنجید.

هدف این جنایات روشن است. آن‌ها که فرمان کشتار مخالفین خویش را در کشور دیگری می‌دهند و آن‌ها را با موشک زیر آتش می‌گیرند،

شش عضو سازمان مجاهدین خلق ایران در بمب‌گذاری عوامل جمهوری اسلامی در بغداد به قتل رسیدند و حداقل ۲۱ نفر دیگر به سختی مجروح شدند. جمهوری اسلامی به این جنایت اکتفا نکرد و تشیع‌کنندگان این اعضای سازمان مجاهدین در قرارگاه اشرف را از خاک ایران به موشک بست. خوشبختانه این حادثه دوم، کشته در پی نداشت، اما به مجروح شدن اتباع عراقی در پیرامون قرارگاه انجامید.

## جنایتکاران دوباره آفتابی شده‌اند

دیگر توسط رهبران جمهوری اسلامی به عنوان «خدمت به امنیت کشور» جا زده می‌شود و از کسانی که تفاوت‌های چندانی با جنایتکارانی چون فلاحیان و درنیجف‌آبادی ندارند خواسته می‌شود کماکان برای «دشمن و برانداز و جاسوس» کشور را ناامن نگه دارند و تریبون نماز جمعه از سوی کسانی چون مصباح یزدی رسماً به تریبون تبلیغ خشنوت و کشتار مخالفین تبدیل می‌گردد. این گونه موضع‌گیری‌ها است که وزرای سابق اطلاعات را گستاخ کرده است تا آنچه را «میدان دادن» به بخش بسیار مسخودی از اپوزیسیون می‌نامند، به یاد حمله بگیرند. این سخنان فلاحیان و درنیجف‌آبادی، در حقیقت حمله مستقیم به شعارهای دوم خرداد در مورد توسعه سیاسی است.

روز نهم خرداد علی فلاحیان وزیر اطلاعات اسبق جمهوری اسلامی پس از این که مدت‌ها خبری درباره او منتشر نشده بود، در قم سخنانی علیه ماهواره‌های تسلویزیونی، نهضت آزادی و جبهه ملی ایراد کرد. وی گفت: «گروهک‌هایی مانند نهضت آزادی خیلی خطرناک هستند، متأسفانه یک مستقاری به اینها اجازه فعالیت داده شده که مشکلاتی را هم آفریده‌اند.»

همچنین قربانعلی دری نجف‌آبادی وزیر سابق اطلاعات که این وزارتخانه در دوره وزارت او مرتکب قتل‌های سیاسی پانز سال گذشته شد، اظهار داشت: «تا به قول طلبه‌ها، کسی سینه به حصر نمالیده و اطلاعات وسیعی در مورد اسلام نداشته باشد، نمی‌تواند درباره این دین اظهار نظر کند.» دری نجف‌آبادی نیز مانند فلاحیان به نهضت آزادی و ملی‌گرایان حمله کرد و گفت: «آنها از روز اول با ما نبودند، اما بعضی از دوستان سفارش آنها را کردند و صدمات ناشی از آنان تا آخر باقی است.»

به نظر نمی‌رسد مجدداً سر بر آوردن هم‌زمان فلاحیان و دری نجف‌آبادی تصادفی باشد. حتی بخش‌هایی از مضمون سخنان این دو نیز که به نیروهای ملی مربوط می‌شود، یکسان است.

با گذشت شش ماه از قتل‌های سال گذشته و نزدیک به سه ماه از اعسراف عسلی وزارت اطلاعات به دست داشتن در این قتل‌ها، کارنامه سیاه این وزارتخانه که تحت فشار افکار عمومی می‌رفت تا گوشه‌ای از آن بر ملا شود و در معرض قضاوت مردم قرار گیرد، بار

رفتن یزدی قطعی شد

جابجایی، جابجایی  
مهره‌هاست!

شیخ محمد یزدی رئیس قوه قضائیه در دیدار با قضات تأیید کرد که به زودی از مسئولیت خود کناره‌گیری می‌کند. او نام فردی را که جانشین وی می‌شود فاش نساخت، اما تأکید کرد که او دارای یک «رابطه ولایی» و شخصی آشنا به امور است. در روزنامه‌های وابسته به حکومت، از محمود هاشمی، که در حال حاضر عضو شورای نگهبان است، به عنوان جانشین یزدی نام برده می‌شود.

محمد یزدی از زمانی که توسط خامنه‌ای به ریاست قوه قضائیه گمارده شد، این قوه را که تا پیش از آن وظیفه اصلی اش سرکوب مخالفین حکومت بود، به دستگاهی مخوف تبدیل ساخت که حتی رقبای خود در حکومت را نیز از تعرض و فشار مصون نگذاشت. یزدی با خود چهره‌های مسوثر جمعیت مولفه اسلامی را به قوه قضائیه برد و مسئولیت‌های اصلی و حساس را به آنان سپرد و این قوه را در اختیار این جمعیت ارتجاعی، دشمن آزادی و مردم قرار داد. یکی از اقدامات فاجعه‌بار یزدی در دوران دهساله ریاستش بر قوه قضائیه، حذف دادسراها از سازمان قضائی کشور و تشکیل دادگاه‌های بازرسی و بازرسی، ادامه در صفحه ۴

یادداشت

فلسفه این دیدارها چیست؟

در خبرها بود که اعضای رهبری حزب جبهه مشارکت اسلامی با آقای خاتمی رئیس‌جمهور دیدار کردند، از وضعیت حزب خود به ایشان گزارش دادند و رئیس‌جمهور نیز برای آنان سخنانی ایراد کرد. جدا از سخنانی که در این دیدار رد و بدل شد، نفس ملاقات رهبران یک حزب با رئیس‌جمهور، سوالاتی را پیش کشید که دقت در آن‌ها در شناخت ماهیت نظام حزبی مورد نظر جمهوری اسلامی مفید است.

نخستین سوال این است که فلسفه این گونه دیدارها چیست؟ مناسبات حزب جبهه مشارکت اسلامی با رئیس‌جمهوری اسلامی کدام است که اعضای رهبری این حزب خود را موظف می‌بینند در مورد امور حزب خود و پیشرفت‌ها و موفقیت‌ها و برنامه‌های آن به رئیس‌جمهور که ظاهراً هیچ سمتی در این حزب ندارد و حتی عضو آن نیز نیست گزارش بدهند؟ عین همین رابطه را حزب کارگزاران سازندگی با آقای هاشمی رفسنجانی دارد و محافظه‌کاران و تمامیت‌گرایان نیز می‌کوشند نه تنها جناح خود، بلکه کل جامعه ایران را با «رهبری» و ولی‌فقیه در چنین رابطه‌ای قرار دهند.

وقتی در تجربه نظام‌های حزبی کشورهای دموکراتیک بنگریم، چنین رابطه‌ای را در هیچ کجای دنیا نمی‌بینیم، که مقامات دولتی و حکومتی که عضو احزاب نیز نیستند، رهبران احزاب را جمع کنند، برای آن‌ها سخنرانی کنند و از آن‌ها گزارش بگیرند و یا گزارش بشنوند. زیرا در نظام‌های حزبی دموکراتیک «فرا جناحی» بودن، یک فضیلت و امتیاز نیست و احزاب سیاسی نیز احزاب خود را به واقع هستند که برای خدمت به رئیس‌جمهور و رهبر پدید نیامده‌اند. اما در حکومت اسلامی درست عکس آن است. شخصیت‌های طراز اول این حکومت همواره می‌کوشند خود را فراتر از احزاب و جناح‌ها قرار دهند و به آن‌ها «رهنمود» بدهند و احزاب می‌کوشند در هر فرصت وفاداری خود را به آنان نشان دهند. در مورد این کردار رهبران جمهوری اسلامی می‌توان به دو دلیل توجه کرد:

دلیل اول آن‌که آنان خود را چنان بزرگ می‌پندارند که گویا وابستگی‌شان به یک حزب و تشکیلات و جناح از بزرگی‌شان می‌کاهد. احزاب ظاهراً کوچک‌تر از آن هستند که بتوانند بزرگانی چون آنان را در خود جای دهند!

دوم آن‌که آن‌ها با فراجناحی عمل کردن، در واقع می‌خواهند چنین وانمود کنند که نه نماینده یک فکر و جناح و حزب، بلکه نمایندگی همه مردم را برعهده دارند.

این هر دو نادرست است. شخصیت فراجناحی یک فریب است، زیرا در جامعه‌ای که به افشار و طبقات مختلفی تقسیم شده است که هر یک گرایش‌ها و منافع مختلفی دارند، نمی‌توان کسانی را یافت که بازتاب‌دهنده این منافع مختلف باشند. نه آقای خامنه‌ای در ایران فراجناحی عمل می‌کند، نه آقای رفسنجانی و نه آقای خاتمی. آن‌ها در عمل هر کدام گرایش معینی را تقویت می‌کنند و از امکانات و موقعیت خویش نیز در این جهت استفاده می‌کنند. اما خلاف این ادعا می‌کنند و این ادعای خلاف، صراحت و شفافیتی را که جامعه ما به آن نیاز دارد، تخریب می‌کنند.

اما تاسف بیشتر متوجه احزابی است که این‌گونه رهبران و پدران معنوی را پذیرفته‌اند و از جدی بودن حزب و برنامه‌های خود می‌کاهدند. در این جا نیز یک رابطه معکوس برقرار است. آقای خاتمی هیچ تعهدی در برابر حزب جبهه مشارکت اسلامی ندارد، این حزب است که با تعهد هواداری از او تشکیل شده است. همین رابطه در مورد آقای رفسنجانی و حزب کارگزاران سازندگی وجود دارد و قاجار آمیز این است که یک چنین رابطه‌ای را بین آقای خامنه‌ای با تمام یک ملت برقرار کرده‌اند. این واقعیت ناشی از تناقض نظام ولایت فقیه با یک سیستم حزبی واقعی است. نظامی که احزاب آن باید مجری فرامین رهبران حکومت باشند. احزاب سیاسی حکومتی در ایران اگر می‌خواهند احزابی جدی باشند، احزابی که کارشان دفاع از این یا آن مقام حکومتی نباشد و رابطه‌ای کاملاً نابرابر با رهبرانی اعلام نشده نداشته باشند، باید این روابط را تغییر دهند.

اعتراض انجمن جهانی قلم به تشکیل انجمن نویسندگان حکومتی در ایران

انجمن بین‌المللی قلم در بیانیه‌ای سوءاستفاده تشکیلات شبه‌هستندگی وابسته به محافظه‌کاران در ایران از نام انجمن قلم را مورد اعتراض قرار داد. در این بیانیه آمده است: مادام که انجمن قلم ایران عضو انجمن بین‌المللی نباشد، حق ندارد خود را با عنوان «قلم» نام‌گذاری کند. «انجمن قلم ایران» که هنوز یک ماهی نیست از تشکیل آن می‌گذرد، در پاسخ به این بیانیه مدعی شده است این انجمن بین‌المللی قلم است که باید به دلیل استفاده از نام «قلم» مورد مواخذه قرار گیرد. در بیانیه این انجمن حکومتی آمده است: اگر بنا باشد واژه‌ها و نام‌ها به انحصار و مالکیت خصوصی امت‌ها، ملت‌ها، سازمان‌ها، گروه‌ها، صنف‌ها و افراد درآیند، بی‌هیچ تردیدی واژه «قلم» در مالکیت مطلق ملل مسلمان و از جمله ملت بزرگوار ایران خواهد بود و ایسن امثال «انجمن بین‌المللی» بن سبب استفاده بدون کسب مجوز از این واژه برای نام‌گذاری خود، مورد مواخذه قرار گیرند! «انجمن قلم» ایران، کسرت از یک ماه پیش با هدف مقابله با کانون نویسندگان ایران تشکیل شد. این انجمن را گروهی شبه‌هستندگی که در میان آن‌ها هیچ نام آشنایی از نویسندگان و مترجمین کشور نیست و همگی از وابستگی و قلم‌زنان وابسته به جبهه ارتجاع و صجیزگویی مستبدان هستند، با پشتیبانی روزنامه‌هایی مثل کیهان و جمهوری اسلامی تشکیل داده‌اند. هدف از تشکیل این انجمن شبه‌فرهنگی، مقابله با کانون نویسندگان ایران است که در ماه‌های اخیر بر فعالیت‌های خود افزوده است و موافقت ضمنی دولت را نیز برای فعالیت بدست آورده است. تشکیل این انجمن، مکمل تلاش‌های وزارت اطلاعات و نیروهای سروکوبگر برای مقابله با کانون است.

لایحه اصلاحی دولت درباره انتخابات هنوز در کشوی میز آقای موحدی ساوجی خاک می‌خورد

به جز گروهی انحصارطلب که خواست خود را بر جامعه تحمیل کرده‌اند، همه مردم ایران خواهان لغو نظارت استصوابی شورای نگهبان در انتخابات مجلس هستند

چند هفته پیش خامنه‌ای با لحن تند و تهدیدکننده‌ای علیه مخالفان نظارت استصوابی شورای نگهبان سخن گفت و ۲۲۸ نفر از نمایندگان مجلس با نامهای خطاب به او، پشتیبانی خود از «رهبر»، سخنان او در باره نظارت استصوابی شورای نگهبان را دوباره اعلام کردند. روزنامه‌های ضدآزادی تلاش کردند این حادثه را به عنوان پایان اعتراضات علیه نظارت استصوابی شورای نگهبان تلقی و التا کنند، اما همان طور که قابل پیش‌بینی بود، با تهدیدهای خامنه‌ای، اعتراضات علیه شورای نگهبان خاموش نشد، بلکه بحث مشروعیت و قانونی بودن دخالت شورای نگهبان در انتخابات ابعاد تازه‌تری گرفت و حتی به حوزه‌های علمیه هم راه یافت.

چگونگی اعمال نظارت استصوابی در انتخابات مجلس ششم برای هر دو جناح در حکومت و همچنین برای توده‌های مردمی که می‌خواهند رای بدهند و احزابی که از حق پایمال شده خود برای شرکت در انتخابات دفاع می‌کنند، اهمیت تعیین‌کننده‌ای دارد. محافظه‌کاران می‌دانند بدون نظارت استصوابی شورای نگهبان و حذف گسترده نیروهای غیرحکومتی و همچنین رقبای خود و چهره‌های مهم طرفدار خاتمی، مجلس ششم را از دست خواهند داد و حتی کار می‌تواند به آنجا بکشد که همه نمایندگان جمعیت متلفه از مجلس اخراج شوند. جناح خاتمی نیز اگر در مجلس ششم اکثریت را به دست نیاورد، آینده سیاسی نامطمئن خواهد داشت.

جناح راست تدارکات مختلفی را برای حفظ اکثریت خود در مجلس چیده است. محافظه‌کاران جنگ اصلی و نیروی اصلی خود را به دفاع از ضرورت نظارت استصوابی و حق ویژه شورای نگهبان برای حذف هر کسی که خواست، قرار داده‌اند و تاکنون نشانه‌ای بروز ندادند که بخواهند از این سلاح برنده خود دست بکشند. اما هم‌زمان با این اقدام آن‌ها سرگرم تهیه پرونده علیه مخالفین خود هستند تا اگر نتوانستند به کمک نظارت استصوابی هر کسی را که می‌خواهند حذف کنند، آنان را با پرونده‌سازی و کشاندن به دادگاه رد صلاحیت روزنامه سلام در باره «تاکتیک پرونده‌سازی» از جلسات منظم گروهی از نمایندگان محافظه‌کار خبر داده و نوشته است: گفته می‌شود یکی از تصمیمات اخیر آنان این بوده است که برای افرادی از جناح مقابل با طرح شکایت‌هایی پرونده‌سازی کنند و آن‌ها را به گونهای به دادگاه‌ها بکشند تا طرف سوءسابقه‌ای داشته باشد که به راحتی به دست شورای نگهبان رد صلاحیت شود.

چگونگی اعمال نظارت استصوابی در انتخابات مجلس ششم برای هر دو جناح در حکومت و همچنین برای توده‌های مردمی که می‌خواهند رای بدهند و احزابی که از حق پایمال شده خود برای شرکت در انتخابات دفاع می‌کنند، اهمیت تعیین‌کننده‌ای دارد. محافظه‌کاران می‌دانند بدون نظارت استصوابی شورای نگهبان و حذف گسترده نیروهای غیرحکومتی و همچنین رقبای خود و چهره‌های مهم طرفدار خاتمی، مجلس ششم را از دست خواهند داد و حتی کار می‌تواند به آنجا بکشد که همه نمایندگان جمعیت متلفه از مجلس اخراج شوند. جناح خاتمی نیز اگر در مجلس ششم اکثریت را به دست نیاورد، آینده سیاسی نامطمئن خواهد داشت.

جناح راست تدارکات مختلفی را برای حفظ اکثریت خود در مجلس چیده است. محافظه‌کاران جنگ اصلی و نیروی اصلی خود را به دفاع از ضرورت نظارت استصوابی و حق ویژه شورای نگهبان برای حذف هر کسی که خواست، قرار داده‌اند و تاکنون نشانه‌ای بروز ندادند که بخواهند از این سلاح برنده خود دست بکشند. اما هم‌زمان با این اقدام آن‌ها سرگرم تهیه پرونده علیه مخالفین خود هستند تا اگر نتوانستند به کمک نظارت استصوابی هر کسی را که می‌خواهند حذف کنند، آنان را با پرونده‌سازی و کشاندن به دادگاه رد صلاحیت روزنامه سلام در باره «تاکتیک پرونده‌سازی» از جلسات منظم گروهی از نمایندگان محافظه‌کار خبر داده و نوشته است: گفته می‌شود یکی از تصمیمات اخیر آنان این بوده است که برای افرادی از جناح مقابل با طرح شکایت‌هایی پرونده‌سازی کنند و آن‌ها را به گونهای به دادگاه‌ها بکشند تا طرف سوءسابقه‌ای داشته باشد که به راحتی به دست شورای نگهبان رد صلاحیت شود.

آیت‌الله منتظری: نظارت استصوابی ضایع کردن حقوق مردم است

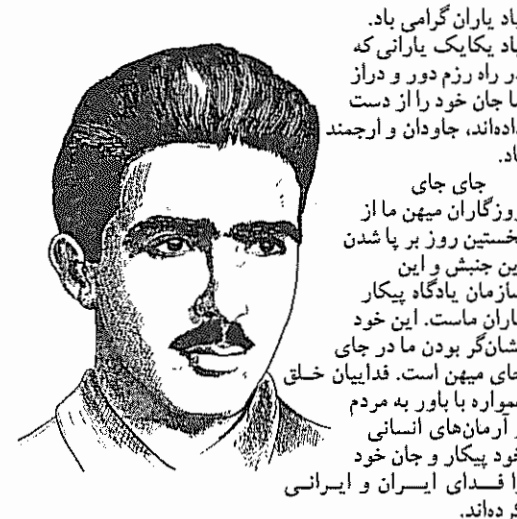
در حالی که به دنبال سخنان خامنه‌ای در دفاع از نظارت استصوابی، کمتر کسی از اصلاح‌طلبان حکومتی است که آشکارا از ضرورت لغو این نظارت و حق ویژه شورای نگهبان سخن به میان آورد، آیت‌الله منتظری بار دیگر با شجاعت و صراحت، خواستار لغو نظارت استصوابی شورای نگهبان شد و آن را ضایع کردن حقوق توده مردم نامید.

آیت‌الله منتظری در نامه‌ای که در پاسخ به سوال برخی از طلاب قم نوشت و تنها در هفته‌نامه‌های آبان و پیام هاجر منتشر شد، تاکید کرد شورای نگهبان به بهانه حفاظت از اسلام، فراتر از حدود اختیارات خود عمل می‌کند و بطور مستقیم در حقوق دموکراتیک مردم ایران دخالت می‌کند. روز ۱۷ خرداد عده‌ای از طلاب حوزه علمیه قم با ارسال نامه‌ای برای آیت‌الله منتظری نظر او را درباره نظارت استصوابی پرسیده بودند. آقای منتظری در نامه خود همچنین نوشته است: برگزاری انتخابات در مسئولیت و وظیفه وزارت کشور است و نظارت قانونی شورای نگهبان صرفاً وقتی است که انتخابات برگزار می‌شود و در صورتی که اعمال سلیقه‌ای در روند انتخابات مشاهده کند، مداخله می‌کند. آیت‌الله منتظری در این نامه تاکید کرده است هر مداخله‌ای غیرازاین یعنی ضایع کردن حقوق مردم.

زمان دولت آلمان این شایعه را تکذیب کرد. با توجه به استقلال قوه قضائیه آلمان، گمان نمی‌رفت که دولت بن از قانون ویژه استفاده کند و دستگاه قضایی را برای پذیرش درخواست جمهوری اسلامی تحت فشار بگذارد. اما اکنون روشن شده است، جمهوری اسلامی در مقابل آزادی، هوفر، آزادی یوسف امین را خرید. یوسف امین در جریان قتل رهبران حزب دموکرات کردستان ایران در رستوران میکونوس برلین در سال ۱۳۷۱، در برابر درب ورودی رستوران وظیفه

۸ تیر، سالگشت شهدای فدایی گرامی باد!

آن یار کزو گشت سر دار بلند جرمش آن بود که اسرار هویدا می‌کرد



یاد یاران گرامی باد. یاد یکایک یارانی که در راه رزم دور و دراز ما جان خود را از دست داده‌اند، جاودان و ارجمند باد. جای جای روزگاران مین ما از نخستین روز بر پا شدن این جنبش و این سازمان یادگاه پیکار یاران ماست. این خود نشان‌گر بودن ما در جای جای مین است. فداییان خلق همواره با باور به مردم و آرمان‌های انسانی خود پیکار و جان خود را فدای ایران و ایرانی کرده‌اند.

تاریخ این سرزمین شیردلانه در راه استقلال، آزادی و سرپنداری ایران و مردم آن از زندگی و هستی خود گذشته‌اند. فداییان خلق ما در سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) ۸ تیر تنها روز بزرگداشت جان‌باختگان و درگذشتگان سازمان ما نیست. این روز یادروز همه فداییان خلق است، روز بزرگداشت یاد همایون و سعید سلطان‌پور و همه دیگر فداییان خلقی است که در طول سال‌های پیکار جنبش‌ما از همگامی با یکدیگر گسیتم، اما همه‌مان به آرمان‌های انسانی بنیان‌گذاران جنبش خود و سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران پای بند مانده‌ایم. آن چه یاران ما، فداییان جان‌باخته خلق را از بسیاری دیگر از قهرمانان این سرزمین جدا می‌کند، آن است که آنان بی‌باور به جهانی دیگر و در این راه جان‌باخته‌اند. فداییان خلق ما تا ناکلف نباشد. فداییان خلق ما تا ناکلف نباشد. فداییان خلق ما تا ناکلف نباشد. فداییان خلق ما تا ناکلف نباشد. فداییان خلق ما تا ناکلف نباشد.

همچنین علی فلاحیان وزیر وقت اطلاعات را به عنوان مباشران دستوردهندگان جنایت برلین معرفی کرد و حکم جلب علی فلاحیان را صادر کرد. نام علی فلاحیان بعداً به عنوان یکی از طراحان اصلی جنایات زنجیرهای فداییان سال گذشته در تهران علیه نویسندگان و آزادی‌خواهان کشور دوباره بر سر زبان‌ها افتاد. اکنون او آزاد است و یوسف امین نیز به وی پیوسته است.

امیرانتظام  
را آزاد کنید!

خانم الهه امیرانتظام، طی نامه‌ای به حجت‌الاسلام رهبر پور رئیس دادگاه‌های انقلاب اسلامی، خواستار آزادی هسر خود عباس امیرانتظام شد.

خانم امیرانتظام در نامه خود به خودداری مسئولین زندان از آزاد کردن عباس امیرانتظام در پی صدور حکم آزادی توسط قاضی پرونده و عدم اجازه حضور امیرانتظام در دو دادگاه خود اعتراض کرده و از اقدام مسئولین دادگاه که پرونده وی را در اختیار وکلائی مدافع او قرار ندادند، انتقاد کرده است.

خانم امیرانتظام در پایان نامه خود تاکید کرده است عدم آزادی عباس امیرانتظام بر مبنای دستور دادگاه انقلاب است که ابتدا به صورت شفاهی و سپس به صورت کتبی صادر شده است. خانم امیرانتظام در این نامه از رئیس دادگاه‌های انقلاب اسلامی خواسته است که هسر او را آزاد کند.

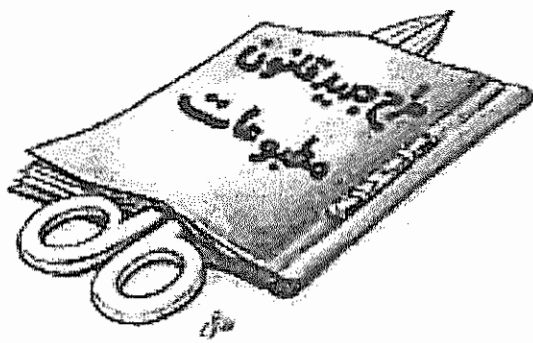
## جنایت تازه علیه...

ادامه از صفحه اول  
از کلیمیان نیز آشکار بوده است. اگر این اهداف روشن است، چرا دولت آقای خاتمی و اصلاح‌طلبان مذهبی که در پی گشایش سیاسی داخلی و تنش‌زدایی خارجی هستند، به اعتراض بر نمی‌خیزند و این گونه اقدامات را محکوم نمی‌کنند؟ مگر نه این است که قهر، قهر می‌آورد؟

متأسفانه شواهد بسیار، حاکی است دولت آقای خاتمی نیز، چنین جنایاتی را در مورد سازمان مجاهدین مجاز می‌داند و در برابر دیگر مخالفین نیز توصیه می‌کند. او اخیراً از مقامات وزارت اطلاعات خواست کشور را برای «جاسوس و برانداز و دشمن» نامن کند. باز شواهد بسیار حاکی است همه جناح‌های حکومت توافق دارند برچسب‌هایی که خاتمی به کار برد نه تنها مخالفین، بلکه همچنین شامل سایر سازمان‌ها و احزاب اپوزیسیون می‌شود که شیوه مبارزه قهرآمیز نیز ندارند.

یکی از اهداف جمهوری اسلامی، همواره این بوده است که همه نیروها، از جمله نیروهای اپوزیسیون، در برابر اعدام و ترور اعضای مجاهدین توسط حکومت سکوت کنند و به این راضی شوند که این شیوه‌های سرکوب شامل آنها نخواهد شد. ما اعلام می‌کنیم هرگز دست از محکوم کردن و دادخواهی بابت این گونه جنایات پرنخوت‌خواهیم داشت، و از سایر آزادی‌خواهان و نیروهای دمکرات نیز دعوت می‌کنیم در برابر تروریسم جمهوری اسلامی سکوت نکنند. این دقیقاً منطبق بر مصالح و منافع جنبش آزادی‌خواهانه مردم ایران است که تابوها در مورد شیوه برخورد حکومت به مجاهدین و سایر نیروهای اپوزیسیون شکسته شود.

حساب محافظه‌کاران روشن است. آن‌ها جز زبان قهر، زبان دیگری در برابر مخالفین خود نمی‌شناسند. اما نیروهای جنبش دوم خرداد باید از دولت آقای خاتمی بپرسند که جای سیاست بسم‌گذاری و به موشک بستن کشور همسایه با سیاست صلح‌خواهی دارد، و این چه گشایش سیاسی است که سهم بخشی از نیروهای سیاسی از آن، قتل و کشتار است. چرا در برابر این گونه جنایات سکوت و بدتر از آن بسا آن‌ها همصدایی می‌شود؟

محافظه کاران علیرغم مخالفت شدید افکار عمومی  
در تلاش تغییر قانون مطبوعات اند

ارتجاعی‌ترین قانونی است که در طول ۱۲۰ سال عمر مطبوعات در ایران، برای سرکوب آنان تدارک دیده شده است. کامران نماینده اصفهان در مجلس و از طراحان این طرح گفته است که هدف «اصلاح» قانون مطبوعات، حاکمیت حزب‌الله بر مطبوعات است. روزنامه رسالت، که پشتیبانی همه جانبه از این «اصلاحات» را برعهده دارد، هدف تغییر قانون مطبوعات را جلوگیری قانونی از انتشار شب‌نامه‌های ضدانقلابی در پوشش روزنامه، خوانده است. در بررسی و نقد این طرح، روزنامه خرداد در مقاله‌ای به نام «تسلسل وارونه و مطبوعات» نوشت: «مضمون اصلی آن چه در این طرح عنوان شده است، سهولت توقیف مطبوعات و لغو امتیاز آن‌هاست. در واقع با کمترین ادعای تخلف در مورد یک نشریه، این امکان وجود دارد که تشریهای توقیف شود.»

دولت با طرح اصلاح قانون مطبوعات مخالف است و نمایندگان هوادار دولت در مجلس بنا به گفته مجید انصاری تلاش می‌کنند آن را از دستور بحث مجلس خارج کنند. اما شمار طرح‌هایی که در مجلس در فاصله دو سال اخیر به ابتکار محافظه‌کاران به تصویب رسانده‌اند کم نیست. ارزیابی ما این است که اگر دولت با قاطعیت مقاومت در برابر این طرح ممصمند و می‌داند صدای هر روزنامه‌ای که قطع شود، ضربه‌ای است به مبارزه آنان برای تأمین دموکراسی و مردم سالاری در کشور.

## ارتجاعی‌ترین قانون

طرح اصلاح قانون مطبوعات که جریان راست آن را برای تصویب به مجلس داده است، به استاد اظهارات همه افراد آگاه به وقایع روزنامه‌نگاری،

فرهنگ و ارشاد اسلامی «در پی تخلفات اداری و نیز درج پاره‌ای مطالب خلاف مصالح عمومی در شماره‌های اخیر نشریه هویت خویش» طبق ماده ۱۲ قانون مطبوعات از مدیرمسئول این نشریه کتبا به دادگستری تهران شکایت کرده است. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی هفته گذشته درباره چاپ برخی از مطالب در نشریه هویت به این نشریه اطلاع‌رسانی داد اما توضیح نداده است که «مطالب خلاف مصالح عمومی» که در این هفته‌نامه به چاپ رسیده است، کدام مطالب بوده است. اما به شدت صبح امروز، ظاهراً اتهامات این نشریه «عدم تعادل، تسنرویی‌های کسودکانه، خواسته‌های نامعقول، تفساسیری از اوضاع که مشابه آن را صرفاً در تشریفات آن سوی مرزها می‌توان جست» بوده است!

پیش از این که شکایت وزارت ارشاد از هفته‌نامه هویت خویش مورد رسیدگی در دادگاه مطبوعات قرار گیرد، دادگاه انقلاب سردبیر و مدیر مسئول این هفته‌نامه را به زندان افکند. روابط عمومی اتحادیه اسلامی دانشجویان و دانشجوگان دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی اعلام کرد دادگاه انقلاب حسین کاشانی را به دادگاه احضار کرده و بعد از بازجویی دستور بازداشت او را داده است. دو روز

پس از دنیال شکایت وزارت ارشاد از نشریه «هویت خویش»، حشمت‌الله طبرزدی سردبیر و حسین کاشانی مدیر

## سازمان خبرنگاران بدون مرز

## از فشار بر مطبوعات ایران ابراز نگرانی کرد

مسئول این هفته‌نامه توسط دادگاه انقلاب بازداشت شدند. به نوشته مطبوعات معاونت مطبوعاتی و تبلیغاتی وزارت

سازمان خبرنگاران بدون مرز با انتشار بیانیه‌ای، از وضعیت کنونی مطبوعات ایران و فشارهایی که از سوی محافظه‌کاران بر آن‌ها وارد می‌شود، ابراز نگرانی کرد. در بیانیه این سازمان آمده است: روزنامه‌نگاران روزنامه‌های مستقل از سوی دادگاه‌های تحت کنترل محافظه‌کاران زیر فشار هستند و روزنامه‌ها به پهنه‌های واهی به خاطر مسائل بسیار جزئی و پیش‌پاافتاده توقیف، روزنامه‌نگاران بازداشت و بعد از سپردن وثیقه‌های سنگین آزاد می‌شوند. بیانیه خبرنگاران بدون مرز می‌افزاید: در سال ۱۹۹۸، ۱۱ نشریه تعطیل و تعلیق و ۱۰ روزنامه‌نگار نیز بازداشت شدند. در ماه‌های نوامبر و دسامبر همان سال نیز ۵ نفر از ناراضیان و روشنفکران، از جمله دو روزنامه‌نگار به قتل رسیدند که این جنایت سبب نگرانی و احساس عدم امنیت در میان محافل روشنفکر و آزادی‌خواه شده است. این بیانیه می‌افزاید: قانون پیشنهادی جدید مطبوعات نیز احتمالاً روند سرکوب را شتاب بیشتری خواهد بخشید. بیانیه فوق فهرستی از دستگیری‌ها را ارائه داده و می‌نویسد: در روز ۲۱ آوریل محسن کدیور یکی از روشنفکران اصلاح‌طلب به اتهام نشر افکار ضدحکومتی و نگارش مقالاتی به ۱۸ ماه زندان محکوم شد. در روز ۲۹ مه، مدیر عامل خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا) و مدیر مسئول روزنامه دولتی ایران و محمدرضا زهدی مدیر مسئول روزنامه اصلاح‌طلب آریا به دادگاه احضار و سپس با سپردن وثیقه آزاد شدند. عیسی سرخیز مدیر سابق اداره کل مطبوعات در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به دلیل عدم رعایت دستور دادگاه مبنی بر تعلیق انتشار روزنامه زن به دادگاه فرآ خوانده شد. خبرنگاران بدون مرز خواهان توقف فوری برخوردها با روزنامه‌نگاران و ایجاد محیط مساعدی برای رشد و شکوفایی مطبوعات مستقل و آزادی‌خواه در ایران شد.

## آدم‌کشی به خاطر پوشیدن پیراهن آستین کوتاه

اکنون یک هفته است تریز در تب جنایت تازه باندهای حزب‌الله می‌سوزد، جنایتی که با واژه‌ها نمی‌توان صحنه آن را به تصویر کشید. مقتول از نسل همین جوانانی بود که دو سال پیش با شور و شوق روی شانه‌های خود خاتمی را به ریاست جمهوری رساندند. آن روز آمده بود به سخنان وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و سخنگوی دولت گوش دهد و از زبان مهاجرانی بشنود که پاسخ دولت بعد از دو سال به خواسته‌های نسل او چیست؟ او نه فقط بی‌پاسخ ماند، بلکه جان خود را بر سر اشتیاق و پرسشی که وی را به محل سخنرانی مهاجرانی کشانده بود، از دست داد. پیراهن آستین کوتاه به تن داشت. قداره‌بندان و قمه‌کشان حزب‌الله او را به خاطر همین پیراهن آستین کوتاه عربده کشان زیر مشت و لگد گرفتند. حزب‌الله چنان دچار جنون کشتن و تشنه خون بود که بر پیکر غرق به خون و در حال اغشای او اسان تسمی‌داد.

درگیری مردم با پاسداران  
در جاده تهران - ورامین

تصادف روز ۱۵ خرداد و مرگ یک دخترچه جرقه‌ای بود که کاسه صبر و بردباری مردم را لبریز کرد و خشم آنان را علیه حکومت به نقطه انفجار رساند. مردم ابتدا در محل تصادف اجتماع کردند و جاده تهران - ورامین و راه عبور و مرور اتومبیل‌ها را بستند. شمار جمعیت به سرعت از صدها نفر گذشت. تظاهرات آرام مردم با دخالت پاسداران که برای پراکندن آنان به منطقه اعزام شده بودند، به درگیری و جنگ و گریز جوانان با مأمورین منجر شد. مردم برای دفاع از خود در برابر حملات پاسداران به ایجاد راه‌بندان و آتش زدن لاستیک‌ها پرداختند و دسته‌هایی از جوانان و زنان با شعارهای ضدحکومتی به اتومبیل‌های دولتی و بانکی که در محل تظاهرات بود آسیب‌های سنگین وارد کردند. بعد از پیوستن نیروهای ویژه ضدشورش به پاسداران و درگیر شدن آنان با مردم، شورش به زور سرکوب پایان گرفت و خاتون آباد در ماتم دختری خردسال فر و رفت.

## سخنران مراسم بزرگداشت شریعتی دستگیر شد

دانشجویی علم و صنعت با فرستادن نامه‌ای به ریاست دانشگاه، خواهان «واکنش» نسبت به این گردهمایی شد و تهدید کرد که در غیر این صورت راساً اقدام خواهد کرد. بسیج دانشجویی در گردهمایی که روز چهارشنبه ۲۶ خرداد با حمایت و حضور نماینده نهاد رهبری در دانشگاه برگزار کرد، تهدید کرد اگر ریاست دانشگاه با عوامل این سخنرانی برخورد نکند و معاونت دانشجویی و فرهنگی و همچنین مدیریت کل فرهنگی فوق‌برنامه را از کار برکنار نماند، امتحانات پایان ترم را تحریم خواهد کرد. رئیس دانشگاه حاضر نشد برای پاسخگویی به این جماعت در مسجد دانشگاه حاضر شود.

منطقه خاتون‌آباد در جاده تهران - ورامین شنبه ۱۵ خرداد، صحنه تظاهرات و درگیری خونین مردم با پاسداران و مأمورین امنیتی جمهوری اسلامی بود. این تظاهرات بدنبال کشته شدن یک دخترچه بر اثر تصادف با خودرویی که از جاده تهران - ورامین می‌گذشت، روی داد. در این تظاهرات صدها نفر از اهالی منطقه ساعت‌ها با مأموران سپاه درگیر بودند. جاده تهران - ورامین یکی از جاده‌های پررفت و آمد منطقه است و تاکنون چند نفر به هنگام گذر از عرض جاده قربانی تصادف با اتومبیل‌هایی شده‌اند که با سرعت در حال ترده هستند. اهالی منطقه بارها با ارسال نامه و حضور جمعی در فرمانداری از مسئولان خواسته‌اند با نصب پل‌هواپی و تعریض جاده، امکان رفت و آمد آنان را از عرض جاده تأمین کنند و خطر تصادف و مرگ مردم و به ویژه کودکان را برطرف سازند. اما مسئولین محلی همواره به این خواسته مردم بی‌اعتنایی نشان داده‌اند.

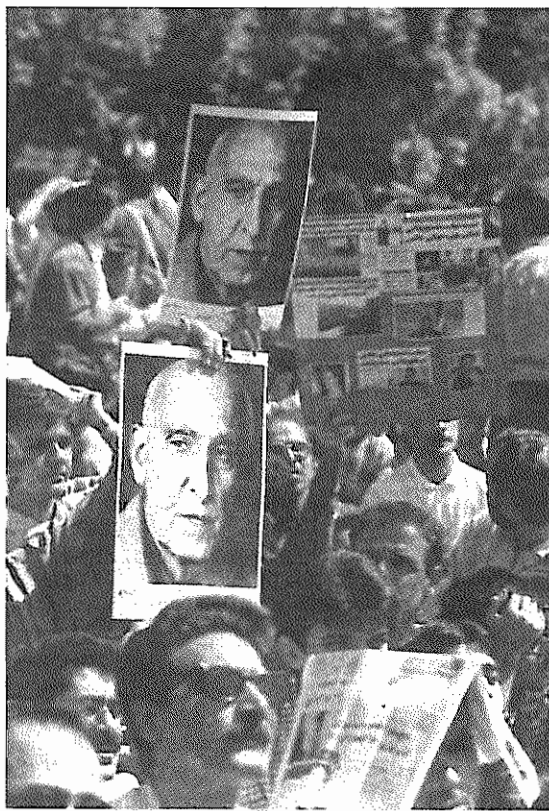
مراسم بزرگداشت علی شریعتی در دانشکده علم و صنعت تهران، به تشییع کشیده شد و سخنران مراسم دستگیر شد. این مراسم که از سوی انجمن اسلامی دانشکده علم و صنعت برپا شد، دکتر عبدالحسینی سخنران مراسم، ولایت فقیه، اعمال خاتمه‌ای و همچنین هاشمی رفسنجانی را مورد انتقاد قرار داد. سخنرانی او با واکنش تند بسیج دانشجویی و برخی مقامات دانشکده مواجه گردید. انجمن اسلامی دانشکده مذکور نیز طی اطلاعیه‌ای سخنان سخنران را محکوم کرد! به نوشته روزنامه نشاط، دکتر عبدالحسینی به دنبال ایراد سخنرانی دستگیر شد و واحد اندیشه انجمن اسلامی دانشکده علم و صنعت منحل گردید. بسیج

آدرس جدید صفحه سازمان در اینترنت:

http://www.fadai.org

## بحث‌های پراهمیت درباره جنبش دانشجویی

● بهزاد نبوی: ما هیچ نیازی به این که ۱۰ هزار نفر آدم را در خیابان جمع کنیم نداریم  
● احمد زید آبادی: جنبش دانشجویی باید بیش از هر چیز توان دفاع از کیم و استقلال خود را پیدا کند  
● تقی رحمانی: شعارهای دفتر تحکیم وحدت مبنی بر تقصیر حق مخالفان و اعتقاد به آزادی و عدالت نشان داد که می‌تواند راه استقلال و رادیکالیسم را بیابد و در جهت آن کام بردارد



پرمی خیزند و در این راه متحمل آزار و اذیت‌های فراوان می‌شوند، فقط هنگامی به نیت بازگردد مورد حمایت خود پی می‌برند که خود نیاز به حمایت پیدا می‌کنند. اما بازگردد قدرت در چنین شرایطی نه فقط از حمایت خود حمایتی به عمل نمی‌آورد، بلکه با متهم کردن آن‌ها به «تسدری» و «مرحله‌سوزی»، آن‌ها را به عنوان مسبب بروز مشکلات معرفی می‌کنند. این نحوه برخورد دولت اقبای خاتمی خودمان هستیم. خودمان با کارهای احساسی و نسجیده‌ای که انجام می‌دهیم، ما هیچ نیازی به این که ۱۰ هزار نفر آدم را در خیابان جمع کنیم نداریم. ما هیچ نیازی به این که مثلا خوف و جنگ را به بیاندازیم نداریم. به خواست خدا جامعه، جامعه‌ای آگاه است. اگر ما هوادار شعارهای دم خرد و خواهان تحقق آن هستیم، آن چه که ما باید انجام دهیم، با مقالات، با سخنرانی‌های جمع و جور و خیلی منظم و نه در خیابان راه افتادن و امثال این‌ها».

نشاط در ادامه این مقاله نوشت: «در پیچ پرتحول دفتر تحکیم وحدت که جوی آن آب‌های جدیدی را پذیرفته است، افراد و جریان‌هایی هستند که این استقلال و رادیکالیسم را بر نمی‌تابند. از نظر ایشان دفتر تحکیم وحدت باید بازوی قدرت باشد و حال این بازو در خدمت اصلاح‌طلبی دوم خرداد است. ولی فرض مسلم، در بازو و اسرم تحت رهبری بودن این جنبش در دست جریانات و افسراد بیرون از دانشگاه است.»

در ادامه این مقاله آمده است: «شعارهای دفتر تحکیم مبنی بر تضمین حق مخالفان، و اعتقاد به آزادی و عدالت نشان داد که می‌تواند راه استقلال و رادیکالیسم را بیابد و در جهت آن گام بردارد. راهی که از رفتن منجر به اصلاحات است. اگر سخنران محترم آن مراسم (دو خرداد) چندین از موضع دانشجویان حرف می‌زد و بیشتر از موضع حاکمیت‌مداران سخن گفت، با جنبش اجتماعی در نیامده و در حد یک «جنبش سیاسی» توقف کرده است.»

جنبش دانشجویی بیش از هر چیز باید توان دفاع از کیم و استقلال خود را پیدا کند و آن‌گاه به دفاع از دیگران برخیزد. این امر، مستلزم اجتماعی شدن جنبش و در نتیجه تجدیدنظر اساسی در روند حرکت کنونی است.»

راهی که گریزی از آن نیست در مقاله دیگری به قلم تقی رحمانی در همین روزنامه،

انتقادات گروهی از نیروهای اصلاح‌طلب به سردمداری سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی به دانشجویان به خاطر «تسدری»‌های آنان، به صفحات روزنامه‌ها کشیده شده است و بحث‌ها و موضع‌گیری‌های مهمی را پیرامون جنبش دانشجویی دامن زده است.

روزنامه خرداد قسمت‌هایی از سخنرانی بهزاد نبوی را به چاپ رساند که در آن وی دفتر تحکیم وحدت را یکی از پنج مانع تحقق سیاست‌های دولت خوانده بود. روزنامه خرداد از قول بهزاد نبوی نوشت: «دفتر تحکیم وحدت که باعث ایجاد بحران و تشنج و جنگ در جامعه می‌شود، آن هم به دلیل آن که رهبری این تشکیلات به خوبی انجام نمی‌شود.»

به دنبال چاپ این اظهارات بهزاد نبوی تکذیب‌هایی برای روزنامه‌ها فرستاد و آن چه را به نام او نوشته شده «عاری از صحت» خواند. بهزاد نبوی نوشته است: «مطلب مذکور از فراز مذکور از سخنرانی اینجانب به شرح زیر است: یکی از موانع دولت اقبای خاتمی خودمان هستیم. خودمان با کارهای احساسی و نسجیده‌ای که انجام می‌دهیم، ما هیچ نیازی به این که ۱۰ هزار نفر آدم را در خیابان جمع کنیم نداریم. ما هیچ نیازی به این که مثلا خوف و جنگ را به بیاندازیم نداریم. به خواست خدا جامعه، جامعه‌ای آگاه است. اگر ما هوادار شعارهای دم خرد و خواهان تحقق آن هستیم، آن چه که ما باید انجام دهیم، با مقالات، با سخنرانی‌های جمع و جور و خیلی منظم و نه در خیابان راه افتادن و امثال این‌ها».

### جنبش دانشجویی استقلال می‌خواهد

در همین حال، روزنامه نشاط در مقاله‌ای تحت عنوان «شهادهای مدنی، جنبش دانشجویی و ضرورت تجدیدنظر» به قلم احمد زیدآبادی، فشار علیه دانشجویان و عدم حمایت از آنان را مورد نقد قرار داد و نوشت:

«رفتار سیاسی در ایران بسیار غیراخلاقی شده است. یکی از جلوه‌های این رفتار غیراخلاقی، استفاده از بازگردد برای قدرت از نیروهای اجتماعی حامی خود است. بازگردانی که فقط در پی بالا رفتن از نردبان قدرتند استفاده از بازگردد از دیگران را نه تنها جایز می‌شمارند بلکه آن را علامت زیرکی و هوشمندی خود می‌دانند. اما آن دسته از نیروهای اجتماعی که بر مبنای «احساس و وظیفه اخلاقی» به حمایت از برخی بازگردان صحنه قدرت

روز ۲۰ خرداد ماه، مراسم چهل و پنجمین زادروز محمدجعفر پوینده، نویسنده و مترجمی که در جریان قتل‌های زنجیره‌ای پاییز گذشته به طور فجیعی توسط وزارت اطلاعات به قتل رسید، بر مزار او در امامزاده طاهر برگزار شد.

این مراسم به دعوت خانواده پوینده برگزار شد. در اطلاعیه‌ای که از سوی این خانواده منتشر شد، برخی از مواد اعلامیه جهانی حقوق بشر که پوینده چندی پیش از مرگش آن را ترجمه کرده بود، درج شده و از جمله آمده است «هر فردی حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی دارد».

در این مراسم صدها تن از یاران، دوستان، آشنایان پوینده و همچنین تعدادی از اعضای کانون نویسندگان ایران شرکت داشتند و سخنرانان بر ضرورت پیگیری و رسیدگی سریعتر به

روزنامه صبح امروز در سرمقاله خود یکشنبه ۱۶ خرداد ماه خود، زیر عنوان «صراحت و شفافیت، تندی و خشونت» نوشت، آقای خاتمی سقف انتظارات مردم را نمایندگی نمی‌کند و مردم حق دارند مطالبات ویژه خود را مطرح کنند که آقای خاتمی به دنبال آن‌ها نیست و در سرمقاله روز ۲۶ خرداد در سرمقاله دیگری به نام «توصیه به اعتدال» مدعی شد جامعه امروز ما با تبعیت و پیروی از شعارهای اصولی دولت خاتمی است که می‌تواند در عرصه داخلی و خارجی موفق و سرفراز باشد. به قسمت‌هایی از این دو سرمقاله توجه کنید:

صبح امروز روز ۱۶ خرداد به قلم آقای اکبر گنجی: «یکی از ارکان نظام مردم‌سالار، شفافیت، علنی و صراحت است. آزادی بیان برای آن است که شهروندان با صراحت و بطور شفاف بتوانند دربرای تسامی مسأله‌ها و موضوع‌ها اظهار نظر و گفت‌وگو نمایند. نقد تابوها، اسطوره‌ها، خطوط قرمز، رویه‌ها، سیاست‌ها، سنت، نظام و... از ارکان نظام‌های آزاد و مردم‌سالار است.»

بدون شفافیت و صراحت نمی‌توان مدعی ایجاد نظامی مردم‌سالار شد. از این رو نباید صراحت لهجه، شفافیت و علنی و نقد، خشونت و تندی تلقی شود. به عنوان نمونه بحث و گفتگو درباره نظریه ولایت فقیه،

### کسی باور نمی‌کند

ادامه از صفحه اول دادستان و قاضی همگی در یک نفر به نام قاضی جمع شد. پس از دوم خرداد، دستگاه تحت هدایت یزدی، به یکی از بزرگ‌ترین موانع تحول در ایران تبدیل شد و به ویژه به دشمنی آشکار با مطبوعات برخاست. عملکرد سیاه یزدی در قوه قضائیه، اصلاحات در این قوه و برکناری محمد یزدی از ریاست آن را به یک خواست عمومی تبدیل کرد. اما سید علی خامنه‌ای که اختیار برکناری ریاست قوه قضائیه را در اختیار دارد، به این اعتراض‌ها هیچ توجهی نکرد. اخیرا یزدی، در دیدار خداحافظی خود فاش ساخته است که همه اقداماتی که انجام داده

روزنامه صبح امروز در سرمقاله خود یکشنبه ۱۶ خرداد ماه خود، زیر عنوان «صراحت و شفافیت، تندی و خشونت» نوشت، آقای خاتمی سقف انتظارات مردم را نمایندگی نمی‌کند و مردم حق دارند مطالبات ویژه خود را مطرح کنند که آقای خاتمی به دنبال آن‌ها نیست و در سرمقاله روز ۲۶ خرداد در سرمقاله دیگری به نام «توصیه به اعتدال» مدعی شد جامعه امروز ما با تبعیت و پیروی از شعارهای اصولی دولت خاتمی است که می‌تواند در عرصه داخلی و خارجی موفق و سرفراز باشد. به قسمت‌هایی از این دو سرمقاله توجه کنید:

صبح امروز روز ۱۶ خرداد به قلم آقای اکبر گنجی: «یکی از ارکان نظام مردم‌سالار، شفافیت، علنی و صراحت است. آزادی بیان برای آن است که شهروندان با صراحت و بطور شفاف بتوانند دربرای تسامی مسأله‌ها و موضوع‌ها اظهار نظر و گفت‌وگو نمایند. نقد تابوها، اسطوره‌ها، خطوط قرمز، رویه‌ها، سیاست‌ها، سنت، نظام و... از ارکان نظام‌های آزاد و مردم‌سالار است.»

بدون شفافیت و صراحت نمی‌توان مدعی ایجاد نظامی مردم‌سالار شد. از این رو نباید صراحت لهجه، شفافیت و علنی و نقد، خشونت و تندی تلقی شود. به عنوان نمونه بحث و گفتگو درباره نظریه ولایت فقیه،

ادامه از صفحه اول دادستان و قاضی همگی در یک نفر به نام قاضی جمع شد. پس از دوم خرداد، دستگاه تحت هدایت یزدی، به یکی از بزرگ‌ترین موانع تحول در ایران تبدیل شد و به ویژه به دشمنی آشکار با مطبوعات برخاست. عملکرد سیاه یزدی در قوه قضائیه، اصلاحات در این قوه و برکناری محمد یزدی از ریاست آن را به یک خواست عمومی تبدیل کرد. اما سید علی خامنه‌ای که اختیار برکناری ریاست قوه قضائیه را در اختیار دارد، به این اعتراض‌ها هیچ توجهی نکرد. اخیرا یزدی، در دیدار خداحافظی خود فاش ساخته است که همه اقداماتی که انجام داده

### رفتن یزدی قطعی شد

ادامه از صفحه اول دادستان و قاضی همگی در یک نفر به نام قاضی جمع شد. پس از دوم خرداد، دستگاه تحت هدایت یزدی، به یکی از بزرگ‌ترین موانع تحول در ایران تبدیل شد و به ویژه به دشمنی آشکار با مطبوعات برخاست. عملکرد سیاه یزدی در قوه قضائیه، اصلاحات در این قوه و برکناری محمد یزدی از ریاست آن را به یک خواست عمومی تبدیل کرد. اما سید علی خامنه‌ای که اختیار برکناری ریاست قوه قضائیه را در اختیار دارد، به این اعتراض‌ها هیچ توجهی نکرد. اخیرا یزدی، در دیدار خداحافظی خود فاش ساخته است که همه اقداماتی که انجام داده

### کسی باور نمی‌کند

ادامه از صفحه اول دادستان و قاضی همگی در یک نفر به نام قاضی جمع شد. پس از دوم خرداد، دستگاه تحت هدایت یزدی، به یکی از بزرگ‌ترین موانع تحول در ایران تبدیل شد و به ویژه به دشمنی آشکار با مطبوعات برخاست. عملکرد سیاه یزدی در قوه قضائیه، اصلاحات در این قوه و برکناری محمد یزدی از ریاست آن را به یک خواست عمومی تبدیل کرد. اما سید علی خامنه‌ای که اختیار برکناری ریاست قوه قضائیه را در اختیار دارد، به این اعتراض‌ها هیچ توجهی نکرد. اخیرا یزدی، در دیدار خداحافظی خود فاش ساخته است که همه اقداماتی که انجام داده

این جنایت و معرفی و مجازات آمرین و عاملین قتل پوینده، مختاری، پروانه و داریوش فروهر، مجید شریف، رضا حاجی‌زاده و فرزند ۹ ساله‌اش تاکید کردند.

در آستانه برگزاری این مراسم، همسر محمدجعفر پوینده از جریان پیگیری قتل‌ها ابراز نارضایتی کرد و گفت همه انتظار دارند که مسئولان قضایی با سرعت و قاطعیت و بی‌پرده

### صبح امروز: از این مقاله تا آن مقاله!

شود؟ نظام‌های مردم‌سالار نماینده انتظارات مردم‌اند. این نظام‌ها از طریق احزاب، سندیکاها، مطبوعات و... دانشا از مطالبات مردم مطلع می‌شوند و سعی می‌کنند این مطالبات را عملی سازند.»

صبح امروز نوشته است: «آقای خاتمی نماینده و نماد جنبش مدنی و جنبش ضدخشونت ایران است، اما باید در نظر داشت که آقای خاتمی سقف انتظارات و مطالبات این دو جنبش را بیان نمی‌کند، بلکه کف آن را پی می‌گیرد. لذا جنبش جامعه مدنی و جنبش ضدخشونت حق دارند مطالبات و انتظاراتی را فراتر از آنچه آقای خاتمی دنبال می‌کنند، بیان و درخواست نمایند و این موضع هیچ ارتباطی با خشونت، اهانت و تندی ندارد...»

صبح امروز روز ۲۶ خرداد: «نشریه هویت خویش که سابقه و پیشینه نشریه پیام دانشجویان را یدک می‌کشد، با «چپ مستقل» نامیدن خویش، عنوان قلم را چنان رها کرده است که آقای خاتمی و نیروهای وسیع اجتماعی هوادار ایشان را به عنوان چپ انحصارطلب و محافظه‌کار می‌نامد و خواستار برخورد‌های «ریشه‌ای‌تر» و «تندتر» با

دست رقبای بدهند. برگماری مجد لا ریجانی به ریاست صدا و سیما از سوی خامنه‌ای، تایید این فرقیه است که برای او در انتخاب مهره‌هایش، نظر مردم کسب‌کننده اهمیت ندارد، وفاداری بی‌چون و چرای آن‌ها به ولایت فقیه اهمیت دارد. قوه قضائیه به علت تسلط ولی ققیه بر آن، یک قدرت خارج از هرگونه کنترل و نظارت مردم و حتی قضا و کارکنان این دستگاه است. از همین روست که خواست و واقعی جنبش دموکراتیک و مدنی در ایران، تنها تغییر رئیس این قوه نیست، بلکه آن است که این قوه از تسلط ولی ققیه بیرون آید و زیر کنترل و نظارت مردمی قرار گیرد و رئیس آن نیز توسط خود قضات انتخاب شود.

تقدی سرهم کرده‌اند، تشکیل بدهند که هیچ اطلاعاتی از آن به جامعه داده نشود و با صدور حکم‌هایی برای آنان بخواهند پایان ماجرا را اعلام کنند. نسبت به این توطئه باید هشیار بود. ۳. آقای خاتمی در ماجرای این قتل‌ها، رفتار تلخ و شیرینی داشته است. او با محکوم کردن صریح این قتل‌ها و تاکید بر این که تا روشن شدن ریشه این جنایات از پای نخواهد نشست، راه را برای پیگیری این جنایات گشود. اما پس از موضوع شجاعانه خود در گام‌های نخست، با آنان که می‌خواستند «فتیله» ماجرا را پایین بکشند همراه شد و دیگر ماهماست در این مورد

به تکالیف قانونی خود عمل کنند. خانم پوینده تاکید کرد: کسی فکر نکند که با عقب افتادن دادرسی، آتشی که در سینه ماست خاموش می‌شود. ما از پیگیری قتل‌ها مصصرف نمی‌شویم، طولانی شدن جریان پیگیری، ما را فقط مصمم‌تر می‌کند. خانم پوینده اظهار امیدواری کرد سرنوشت پرونده قتل‌ها، فدای جنگ بین جناح‌های سیاسی شود. □

«اصول» و مقولاتی هستند که خود بیشتر سینه‌چاکانه به افراطی‌ترین شکل در نشریه خود از آن دفاع می‌کردند. مطالعه نشریه شماره ۳ هویت خویش چیزی جز عدم تعادل، تسنردوی‌های کبودکانه، خواسته‌های نامعقول، تفسیری از اوضاع که شباهه آن را صرفا در نشریات آن سوی مرزها می‌توان جست، نمود می‌دهد. این نشریه از مصادیق روش «چپ‌روی» و «چپ‌نمایی» در شرایط کنونی جامعه ماست و اگر به این نکته توجه کنیم که پایگاه اولیه بروز ظهور این نشریه نیز جریان راست افراطی بوده است، شک و شبیه در اصالت و صداقت این نیروها تشدید می‌شود.»

صبح امروز در ادامه این مقاله خود نوشته است: «با این حال، حتی اگر شواهد ظن فوق را به کناری نهم، با یاری گرفتن از «مقل جمعی» می‌توان تشخیص داد که در شرایط کنونی چه کسانی «آب» به «آسیاب خشونت‌آفرینی» می‌ریزند و هیزم بیار معرکه‌ای می‌شوند که در آن، اندیشمندانی نظیر حجت‌الاسلام والمسلمین کدیور باید تساوآن آن را بسهند. جامعه ما امروز با تبعیت و پیروی از شعارهای اصولی دولت خاتمی است که می‌تواند در عرصه داخلی و خارجی موفق و سرفراز باشد!» □

دست رقبای بدهند. برگماری مجد لا ریجانی به ریاست صدا و سیما از سوی خامنه‌ای، تایید این فرقیه است که برای او در انتخاب مهره‌هایش، نظر مردم کسب‌کننده اهمیت ندارد، وفاداری بی‌چون و چرای آن‌ها به ولایت فقیه اهمیت دارد. قوه قضائیه به علت تسلط ولی ققیه بر آن، یک قدرت خارج از هرگونه کنترل و نظارت مردم و حتی قضا و کارکنان این دستگاه است. از همین روست که خواست و واقعی جنبش دموکراتیک و مدنی در ایران، تنها تغییر رئیس این قوه نیست، بلکه آن است که این قوه از تسلط ولی ققیه بیرون آید و زیر کنترل و نظارت مردمی قرار گیرد و رئیس آن نیز توسط خود قضات انتخاب شود. □

تقدی سرهم کرده‌اند، تشکیل بدهند که هیچ اطلاعاتی از آن به جامعه داده نشود و با صدور حکم‌هایی برای آنان بخواهند پایان ماجرا را اعلام کنند. نسبت به این توطئه باید هشیار بود. ۳. آقای خاتمی در ماجرای این قتل‌ها، رفتار تلخ و شیرینی داشته است. او با محکوم کردن صریح این قتل‌ها و تاکید بر این که تا روشن شدن ریشه این جنایات از پای نخواهد نشست، راه را برای پیگیری این جنایات گشود. اما پس از موضوع شجاعانه خود در گام‌های نخست، با آنان که می‌خواستند «فتیله» ماجرا را پایین بکشند همراه شد و دیگر ماهماست در این مورد

تقدی سرهم کرده‌اند، تشکیل بدهند که هیچ اطلاعاتی از آن به جامعه داده نشود و با صدور حکم‌هایی برای آنان بخواهند پایان ماجرا را اعلام کنند. نسبت به این توطئه باید هشیار بود. ۳. آقای خاتمی در ماجرای این قتل‌ها، رفتار تلخ و شیرینی داشته است. او با محکوم کردن صریح این قتل‌ها و تاکید بر این که تا روشن شدن ریشه این جنایات از پای نخواهد نشست، راه را برای پیگیری این جنایات گشود. اما پس از موضوع شجاعانه خود در گام‌های نخست، با آنان که می‌خواستند «فتیله» ماجرا را پایین بکشند همراه شد و دیگر ماهماست در این مورد

رفقای واحد ونکور کانادا ..... کمک مالی به خانواده شهدا ۱۵۰ دلار کانادا  
رفقای واحد ونکور کانادا ..... کمک مالی به نشریه کار ۱۳۰ دلار کانادا





## «سلطنت دمکراتیک»؛

## سرایی که با دوم خرداد رنگ باخت!

ف. تابان

همه مقام‌ها و نهادهای غیرانتخابی و غیرمسئول از میان برداشته شوند و جمهوری در چهره اصیل و ناب خود سرانجام در کشور ما نیز برقرار شود. در این روند و در این تلاش، جامعه ما در حال وداع با همه مظاهر هرگونه نظام، نهاد و مقام غیرانتخابی، در شکل روحانی و غیرروحانی، است. و طبیعی است که در این تلاش، دیگر مردم ایران به هیچ حاکمان غیرانتخابی، حتی اگر چهره‌های بسیار دمکراتیک نیز به خود بدهد، تن نخواهند داد.

عامل عینی و نیرومند در این میان حضور میلیون‌ها جوان تازه نفسی است که پای در میدان مبارزه و سیاست گذاشته‌اند، و سرنوشت ایران را تحت تاثیر خواست‌ها و نیروی خود قرار داده‌اند. این نسل جوان، گذشته را به یاد ندارد، از شکست‌های تلخ نسل‌های پیشین خود نصیبی نبرده است، بدینی‌های نسل‌های پیش از خود را ندارد، یک پارچه شور و شوق است. این نسل گرفتار مقایسه میان بد و بدتر نیست، به گذشته نمی‌اندیشد، در فکر احیای «افتخارات» سلطنت نیست، رو به جلو دارد و جمهوری کامل و دمکراتیک می‌خواهد.

چنین است که می‌بینیم، هر چقدر جنبشی که از دوم خرداد برخاسته است، پیشتر می‌رود، بر مشارکت سیاسی، حق انتخاب مردم تا آخر و در همه زمینه‌ها، تاکید می‌کند و شعارهایی را به میان می‌کشد که نشانه جمهوری است و دمکراسی است. در این جنبش هیچ نشانه و سمبلی از بازگشت به گذشته وجود ندارد. این جنبش بار دیگر در کار ارزش‌گذاری به همه آن مفاهیم و سبمل‌هایی است که نه فقط در دوران سیاه بیست ساله اخیر، بلکه همچنین در دوران سلطنت پهلوی، مطرود و محکوم بود. آزادی احزاب و مطبوعات، حق انتخاب، حق مشارکت و ارج‌گذاری بر شخصیت‌هایی که مورد غضب و سرکوب استبداد بوده‌اند، از این جمله است. جنبش دمکراتیکی که در ایران به پا خواسته است همه نشانه‌ها و مفاهیمی را که در این دوران بیست ساله غمناک نمی‌شد، آرام آرام احیا می‌کند و ارج می‌نهد، در این میان فقط یک «استثناء» وجود دارد: سلطنت!

مردم ایران و جوانانی که اینک پیشقراول آزادی در ایران هستند، می‌دانند جنبشی که آغاز کرده‌اند، رو به گذشته ندارد. این جنبش وظیفه احیای آن چه را بر عهده دارد که با انقلاب بهمن آغاز شد و ناتمام ماند، برپایی یک جمهوری دمکراتیک و کامل در ایران!

## آن کز قلبها گریخته...

ملیحه محمدی

بیشتری نیاز داشتم، تا درک کنم و باور کنم که آن شوری که نیرومندترین سلاح هر مبارزه است و بالاترین سروری است که انسان از تمامی هستی دریافت می‌کند، از هیچ مکتب خاصی بر نمی‌خیزد، مگر ایمان و اعتقادی محکم، روشن و بی‌شائبه، که در ضمیر انسان نشسته و به باور تبدیل شده باشد. و دریام که آن حس والایی که انسان معتقد را سرشار می‌کند، در مارکسیست، در سوسیالیست‌ها، در عرف، در موسیقی‌دان و ریاضی‌دانی که به ضرورت امر خویش رسیده است، به یکسان خالص و ناب و تعریف‌ناپذیر است! و اینک دریغ می‌آید از این که با سن کمتر و دانش اندک‌تر، از چنان ایمان و باوری سرشار بودم که همه سختی‌های روی زمین بی‌مقدار بودند و هر کلام و هر گزافی در مسیر ما مضمونی و ارجی داشت و اینک با کوله‌باری سنگین‌تر از دانسته‌ها و تجربه‌ها، اینچنین تهی از شور و با دل‌سردی مبارزه‌ای را که هنوز همه عقل و شعورم تایید می‌کند، دنبال می‌کنم.

امسال روز اول ماه مه، اینستا در شهر برلین، راه‌پیمایی‌ها و تظاهرات گسترده‌ای برپا بود. ضمن راه‌پیمایی؛ مدتی در کنار گروهی از راه‌پیمایان وابسته به حزب سوسیالیست‌ها، ایستادم که به سیاست‌های حزب در قبال مساله بالکان اعتراض داشتند، قرار گرفته بودیم. سرودهای سروری در پیرامون آنان می‌پراکند و همه راه‌پیمایان دیگر را به تمایل به سمت آنان و تکرار شعر و شعارهای آنان وادار می‌ساخت. علیه جنگ، برای صلح، برای عدالت...

از شور و ایمان چیزی از کم نیست‌ها که دقایقی بعدتر آن‌ها را در میدان الکساندر پلاتز دیدیم کم نداشتند. آن شور پورساز را آن روز در میان تمامی آن گروه‌هایی که آنجا بودند می‌توانستی ببینی: سوسیالیست‌ها، کمونیست‌ها، اتحادیه‌های کارگری، کردهایی که برای حمایت از اوچالان گرد آمده بودند! همه و همه کسان! زیرا آن روز و آن جا، قول و حرف و خواست روشنی وجود داشت. این طور هم بود که همه کم و بیش هم‌نظر بودند که مراسم امسال گسترده‌تر و پرشورتر از سال‌های پیش است و انگیزه مخالفت با جنگ نیروی بیشتری را فراهم آورده است... و در این حضور انبوه‌تر، هر کسی را در طلب باور خویش پرشورتر و مصمم‌تر می‌دیدی. این راست است که انسان‌ها در همراهی به هم نیرو می‌بخشند اما این همراهی باید از همراهی برخیزد؛ و اما این همراهی، در روشنی و شفافیت اندیشه پدید می‌آید؛ نه از چگونگی یا چرایی اندیشه. و این حقیقت از موده‌ای است که انسان به شور، به آن شوق، به آن ایمان نیرومندی که همدلی، که همراهی، و همگامی می‌آفریند، نیاز باطنی دارد، به ویژه انسان مبارز.

رفیق ما با دریغ از گذشته پرشور و پرنگیزه خود

آنگاه / خورشید سرد شد / و برکت از زمین‌ها رفت / و سبزها به صحراها خشکیدند / و ماهیان به دریا خشکیدند /... دیگر کسی به عشق نیاندیشید / دیگر کسی به فتح نیاندیشید / و هیچ کس دیگری به هیچ چیز نیاندیشید / در غارهای تنهایی بیهودگی به دنیا آمد / و هیچ کس نمی‌دانست، / که نام آن کیوتر غمگین، / کز قلبها گریخته ایمانست.

اشاره کوتاه رفیقی در حوزه حزبی ما، هنگامی که از گذشته و آرمان کمونیستی‌اش حرف می‌زد، مرا به یاد این شعر فرخاد، «ایه‌های زمینی»، انداخت. رفیق ما گفت - همچنان که بسیاری از ما می‌گوئیم - من از گذشته تادمی ندارم. و سپس کمی غمناک زمزمه کرد: حداقل شوری و ایمانی داشتم.

و حقیقت این است که مدت‌هاست، این اندیشه، همین اندیشه که چرا فضای مبارزه ما اینچنین از شور و ایمان تهی است، ذهن مرا مشغول کرده است. علاقه‌ای ندارم که به پاسخ‌هایی فکر کنم که احتمالاً خواهند گفت: «نه رفیق، شور و ایمان هنوز هم داریم...» و نه مایلیم تاکید کنیم که در میان تمامی فرزان و قزوق‌های زندگی نسل ما، این خلاء، این بی‌ایمانی و این کم‌شوری، در دنا کم‌ترین جنبه‌ایست که هستی او را فرار گرفته است.

بیاد دارم میانه سال پنجاه و شش بود، همان سال‌هایی که شور و شیدایی عرفانی ما، پرچم سرخ مارکسیسم برداشته بود، و به انقلاب جهانی با اعتقاد، و نیز با اعتماد چشم دوخته بود. همه زشتی‌ها و همه کمی‌ها و کاستی‌ها، از آنجا که می‌باید بودند و ما را از پای نمی‌انداختند و همه آنچه نیکبختی و پیروزی انسان را می‌ساخت، نتیجه حتمی مبارزه‌ای بود که ما دلخوش و سرخوش پیش می‌بردیم.

سه زوج جوان بودیم که در حول و حوش همان ایام ازدواج کرده بودیم. همسر من دو رفیق مجاهد داشت که هر دو از باور مذهبی دست کشیده و مارکسیسم لنینیسم را پذیرفته بودند. یکی از این رفقا پس از اعلام تغییر عقیدتی خودش، با بحران عاطفی همسرش مواجه شده بود. همسر او می‌گفت که تابم می‌خورد، وقتیکه، آن نور ایمان و صداقتی را که پس از هر وعده نماز در چهره همسرش می‌دید، و برای او انگیزه و شور مبارزه بود، دیگر نمی‌بیند. او احساس می‌کرد این کمبود، به آن استواری و قاطعیتی که آن‌ها در مبارزه به آن نیاز دارند، آسیب می‌رساند. و من حیرت می‌کردم که چگونه این ایمان پرشوری را که راه مبارزه، برای رفایی طبقه کارگر و رفایی بشر از چنگال تمامی ستم‌ها را روشن می‌کند، از نمی‌بیند! و چرا حس نمی‌کند که شور و ایمان و ایمان، پیش از هر کجا اینجاست!

زمان درازی نیاز داشت تا او به این حس من و ما دست بیاید؛ و با شور و شوق یک عابد، یک زاهد، در جلسات مطالعات جمعی ما، در جلسات انتقاد و انتقاد از خود کوبنده ما بنشیند. من اما زمان

## با یاد «ماندنی» و از زبان مانده‌ها - «بدنبال راه کار»

نیما - ت

بهترین وضعیت آنچنان درگیر تامین معاش خویش‌اند که یا چون رفیق جلال از بام تا شام دنده عوض می‌کند تا بتواند نزل پول‌های قرض کرده را بدهد یا چون کاک ابراهیم در ماتم چگونگی تهیه پول درمان در حال از دست‌رفتن خویش‌اند. و این باز تمام ماجرا نیست. البته در جای خود این بخش از روانشناختی زندگی سیاسی - اجتماعی - خانوادگی مبارزان ایران، برداشتی فنی و مستدک از سوی آگاهان را می‌طلبد.

باری، جاری بودن زندگی از جان بدربردگان «راه کار» می‌طلبد. در فرهنگ سیاسی فدائیان گوئی چنین جای‌گیر شده که کار مخفی مترادف است با فعالیت‌های چریکی - عملیات نظامی و در یک کلام فعالیت جدا از مردم. ابتدا باید گفت کار مخفی یک عکس‌العمل طبیعی هم‌راز آدمی است و تاریخ آن به زمانی برمی‌گردد که خود را شناخته و توانسته دیگرگونه بیاندیشد و آنچه هست را نپذیرد. اما این همیشه حاکمان و پاسداران کهنگی و سیاهی بوده‌اند که شرایط را بر نوگرایان و نواندیشان تنگ کرده‌اند و آنان را مجبور به خفای ناخواسته نموده‌اند. پس بناچار نواندیشان برای حفظ و اشاعه نو، آزادی، شادی، عدالت و در آخرین کلام زندگی انسانی می‌بایست از جان مایه می‌گذاشتند. چراکه کرم‌مانند این سگان هرزه عملی‌مطلب و تاریکی‌همه جارا می‌یویندند تا حتی سوی تازگی برنایند. لیک اینک در پایانه قرن بیستم تکنولوژی ارتباطات شرایطی ایجاد نموده است تا آدمی در بهترین وضعیت آنچنان درگیر تامین معاش خویش‌اند که یا چون رفیق جلال از بام تا شام دنده عوض می‌کند تا بتواند نزل پول‌های قرض کرده را بدهد یا چون کاک ابراهیم در ماتم چگونگی تهیه پول درمان در حال از دست‌رفتن خویش‌اند. و این باز تمام ماجرا نیست. البته در جای خود این بخش از روانشناختی زندگی سیاسی - اجتماعی - خانوادگی مبارزان ایران، برداشتی فنی و مستدک از سوی آگاهان را می‌طلبد.

فضای حاکم بر ایران میسر نیست، لذا تبلیغ و ترویج غیرمستقیم (مخفی) در دستور کار قرار می‌گیرد، و لازمه این کار بکارگیری نیروهای شوریده داوطلبی است که در خارج از کشور عاقل و باطنل، فرسوده می‌شوند. بدین لحاظ با بکارگیری این روش و با برخورداري از تکنولوژی ارتباطی، می‌توانیم ۱ - سطح آگاهی توده‌ها را ارتقا دهیم ۲ - پیوندی نیمه‌ارگانیک بین مردم و سازمان برقرار سازیم ۳ - احساس مزمن یهودگی غالب بر روح مبارزان را بزدانیم. البته شک نیست که این نوشتار آگابه به مخاطب شمایی که ترسیم می‌نماید هست. ولی دوستان، گوهر آزادی و عدالت را بدون خطر کردن، کسب نتوان کرد. عینک‌های خوش‌بینی را باید از چشم‌ها برداشت، حد آگاهی سیاسی باید از هم‌اکنون در جامعه ایران جاری در آن حد نیست که فشاری برای حکومت در پذیرش احزاب دگراندیش باشد، حتی از اینهم بالاتر درخواست اجرای مفاد قانون اساسی در زمینه احزاب، در دستور اجرائی هیچک از جریان‌ها و فعالین سیاسی داخل نیست. و علیرغم آنکه رفیق نگهبان پیشنهاد می‌نماید ما نیز چون پاره‌ای از نیروها برای «امکان حضور علنی و در نتیجه قانونی به هر تدبیر» وارد کارزار تامین شرایط برای فعالیت آزاد سازمان شویم و کار مخفی نکنیم، این تنها بکارگیری گسترده نیروهای سازمان در شاخه‌های مختلف (که البته چگونگی این سازماندهی، خود بخشی جداگانه را می‌طلبد) و تبلیغ و ترویج - آگاهی‌های مرحله به مرحله در میان آحاد مردم است «راه کار» - برون‌رفت از وضعیت کنونی یا حفظ پرنسیب‌ها باشد. اما پیش از هر اقدام نیازمند برنامه‌ایم؟! یک برنامه هدفمند و منسجم، که بنظر من جان‌مایه نوشتار رفیق نگهبان نیز هست و هر رفیق منصفی با آن توافق دارد. چراکه بدون برنامه و بدون باورمندی به آن و به نیروی خویش در بهترین حالت به یک سازمان صرفاً نغ، نغو تبدیل خواهیم شد که خود نیز خودمان را جلدی نمی‌گیریم، چه رسد به دیگران!

با سلام و درود به همه آنان که بدنبال راه کار برون‌رفت از سرداب مهاجرت و پیوست به جویبار مبارزات مردم میهن عزیزمان ایران هستند. ابتدا نگاهی خواهیم داشت به بخش دوم مقاله «سیاست ما سازمان ما» نوشته رفیق نگهبان و سپس پیشنهاد راقم در چگونگی پیوند ارگانیک داخل و خارج.

«فعالیت آزادانه - فعالیت قانونی» با علم به اینکه طرح یک درخواست می‌تواند اهداف مستعدی را مد نظر داشته باشد، علیرغم انگاره‌های رفیق باید گفت نمی‌تواند این ابتدائی‌ترین هدف طرح درخواست فعالیت آزاد برای احزاب که همانا سنجش میزان پایداری جمهوری اسلامی به قوانین خودساخته و همچنین معطوف داشتن افکار عمومی بین‌المللی به میزان این پایداری در جهت فشار بر حکومت در جهت پذیرش مبانی دمکراسی و حقوق شهروندی، مدنظر نباشد. چراکه این در جهت جمهوری و نهادینه گشتن اساسی مدنیت که همانا حکومت قانون است، خواهد بود. اما اینک، او «پذیرش فعالیت در چارچوب قانون اساسی را تجهیز اعضا و هواداران سازمان به قدرت دفاعی» می‌شمارد، خود بخشی جذاب است. ما می‌گوییم اینها به حرف‌ها و قوانین خودشان باور ندارند، او می‌گوید این قانون اساسی حامی و مدافع ماست. این گفته باز این سوال همیشه را در مقابل این طرز تفکر قرار می‌دهد. «نهضت آزادی ایران»؟ که تک‌تک سیاست‌گذاران این جریان هم مسلمانند و هم در سال‌های گذشته پست‌های مختلف سیاسی - اجتماعی این حکومت را دارا بوده‌اند و هر کدام زباناً، قلماً و عملاً تعهد و التزام خود را به قانون اساسی جمهوری اسلامی به منصفه ظهور رسانیده‌اند، اما باید دید از کدامین حقوق مندرج در قانون اساسی در رابطه با احزاب برخوردارند. آری در مورد تک‌تک اعضا و هواداران این جریان بعنوان شهروندان ایران زمین قوانین جمهوری اسلامی جاری است، ولی این برخورداري از حقوق شهروندی؟! کدام قدرتی دفاعی را به آنها بخشیده، که حال به





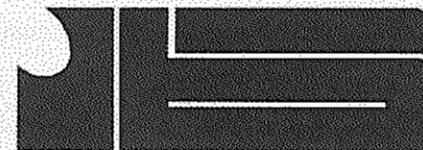


تک فروشی: معادل ۴ مارک آلمان  
بهای اشتراک:  
اروپا: شش ماه ۵۵ مارک؛ یک ساله ۱۰۲ مارک  
سایر کشورها: شش ماهه ۶۲ مارک؛ یک ساله ۱۱۵ مارک

Verleger: I.G.e.v

I.G.e.v آدرس:  
Postfach 260268  
50515 Köln  
Germany

دارنده حساب:  
شماره حساب:  
کد بانک:  
نام بانک:  
I.G.e.v آدرس:  
22 44 20 32  
37 05 01 98  
Stadtparkasse Köln  
Germany



چهارشنبه ۲ تیر ۱۳۷۸ - ۲۳ ژوئن ۱۹۹۹ دوره سوم - شماره ۲۱۰  
KAR. No. 210 Wednesday 23. Jun. 1999  
G 21170 D

«کار» ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)  
دو هفته یک بار روزهای چهارشنبه منتشر می‌شود

## نشست سالانه سران «گروه ۸» در میان شدیدترین تدابیر امنیتی برگزار شد

### جهانی شدن به جنوب ضربه می‌زند؟

برگردان از مجله باد جنوب  
نویسنده رابرت پوت

تحولات جدید جهانی فاکت‌های جدی را برای کسی که قصد اثبات این قضیه را داشته باشد ارائه می‌دهد. بانک جهانی در گزارشی که در آوریل ۱۹۹۹ انتشار یافت، به این موضوع می‌پردازد که اقتصاد کشورهای در راه رشد در جریان جهانی شدن ضربات جدی خورده‌اند.

در این گزارش آمده، اقتصاد کشورهای در راه توسعه در سال ۱۹۹۸ فقط ۱/۵ درصد رشد داشته و این از سال ۱۹۸۲ به بعد بی‌سابقه بوده است. بنابه پیش‌بینی‌ها این وضعیت تا سال ۲۰۰۱ میلادی ادامه پیدا خواهد کرد و از سال ۲۰۰۱ به بعد این کشورها می‌توانند با نرخ رشد اقتصادی ۴/۵ درصد حساب کنند، نرخ رشدی که این کشورها به هر حال حداقل روی آن حساب می‌کردند.

نرخ رشد اقتصادی سرانه پیش‌بینی شده که در سال گذشته فقط ۰/۳ درصد بود، در سال ۱۹۹۹ به ۰/۱ تنزل خواهد کرد.

در مقابل پدیده‌ای که بشدت رشد پیدا می‌کند بدهی‌های خارجی هستند. این بدهی‌ها در سال ۱۹۹۸، ۶/۴ درصد افزایش یافته و به یک رکورد جدید ۲/۴۶ بیلیون دلار آمریکا خواهد رسید، این در حالی است که این کشورها ۱۶/۵ میلیارد دلار آمریکا از بدهی‌های خود را پرداخته‌اند (۱۲/۵ میلیارد از این مبلغ فقط بهره‌های این بدهی‌ها بوده است). در حالی که حجم واردات این کشورها ۳/۹ درصد افزایش یافته، صادرات آنها ۶/۲ درصد کاهش و به رقم ۱۶۸۵ میلیارد دلار رسید. تناسب بدهی‌های خارجی و صادرات از ۱۲۹ درصد به ۱۴۶ درصد افزایش یافت و حتی در آفریقا از ۲۰۲ به ۲۳۲ درصد رسید.

یکی از علل اصلی این وضعیت از طرف بانک جهانی نزول شدید قیمت مواد اولیه اعلام شده که در سال ۱۹۹۸، ۱۶ درصد کاهش یافت. قیمت فلزات و مواد نفتی خام به نسبت بالاترین قیمت آنها در آگوست ۱۹۹۵، ۳۳ درصد کاهش داشته، مواد اولیه کشاورزی ۲۱ درصد ارزان‌تر از آوریل ۱۹۹۶ عرضه شدند.

افزایش عرضه، کاهش تقاضا از جمله علل این وضعیت می‌باشد و اینها هم نتیجه تکنولوژی جدید، شرایط اقتصادی سیاسی جدید و روند خصوصی‌شدن اعلام شد.

این گرایش موجود بنابه پیش‌بینی‌های بانک جهانی ادامه پیدا خواهد کرد و رشد اقتصادی اگر اصلاً امکان داشته باشد چندین سال دیگر ممکن خواهد بود.

این وضعیت استفاک برای یک اکثریت فقیر به معنی رشد اقتصادی و تحولات مثبت برای یک اقلیت ثروتمند است. بطوری که کشورهای صنعتی و در درجه اول ایالات متحده غلبه بر بحران اقتصادی خویش را تنها مدیون افزایش مصرف و تقاضای داخلی هستند بلکه بحران گریبانگیر کشورهای در حال توسعه هزینه واردات از این کشورها را در سال ۱۹۹۸، ۶۶ میلیارد دلار کاهش داده.

نتیجه وابستگی اقتصادی به صادرات مواد اولیه برای کشورهای در حال رشد روشن است و در نتیجه این کشورها هر چه بیشتر به تولید کالاهای صنعتی پرداختند ولی نزول و کاهش قیمت فقط به مواد اولیه خام بسنده نکرد بلکه کالاهای صنعتی را هم فراگرفت. بطوری که هزینه واردات کالاهای صنعتی ایالات متحده از کشورهای آسیای جنوب شرقی در سال ۱۹۹۸، ۹/۵ درصد و از کشورهای آمریکای لاتین ۳/۳ درصد کاهش داشته است.

مسئله اینجاست که کاهش قیمت کالاهای صنعتی تولیدی این کشورها یک پدیده گذرا نبوده، بلکه این کالاهای هرچه بیشتر خاصیت مواد خام اولیه را به خود می‌گیرند یعنی اینکه قیمت آنها در یک نگرش جهانی هرچه بیشتر متزلزل است و نوسان پیدا می‌کند.

پدیده انتقال سرمایه به کشورهایی که نیروی کار ارزانتری دارا می‌باشند در این رابطه نقش مهمی ایفا می‌کند.

بطور مثال تولید نیمه‌رساناها در تراشه‌ها در آسیای شرقی را در نظر بگیرید که کاهش قیمت آن در سال ۱۹۹۷ یکی از علل مهم بروز بحران اقتصادی در آسیای جنوب شرقی بود.

یک علت دیگر به گفته ییلماز آکیوز رئیس اقتصادی کنفرانس سازمان ملل برای تجارت و توسعه (UNCTAD) انتقال عمومی درآمد از درآمد کار به سرمایه است!!!

از آنجائیکه کشورهای در حال توسعه هر چه بیشتر درهای خود را به روی سرمایه می‌گشایند و درصدد ایجاد بازار کار ارزانتری هستند، تولید کالاهای با دستمزد بالا همچنان کاهش پیدا خواهد کرد. یعنی از روند جهانی شدن آنها بی‌بهره می‌برند که تکنولوژی پیشرفته را صاحب بوده و یا حداقل در راه رسیدن به آن هستند و آنها نیکه بصورت خزنه به دنبال آن هستند از این روند ضربه خورده و خطر بحران‌های جدید تهدیدشان می‌کند.

سوالی که همچنان بدون جواب است آنکه الترناتیو جهانی شدن چیست؟

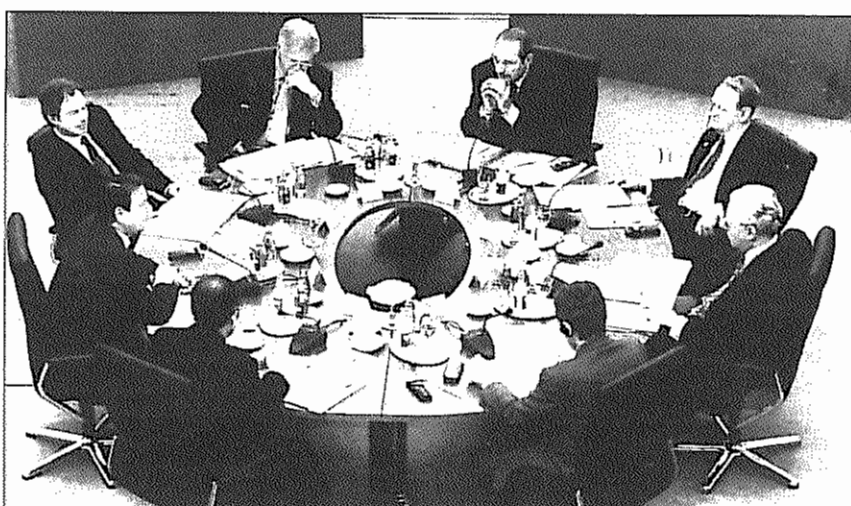
روسیه به نمایندگی از دولت متبوع خود خواهان عضویت کامل این کشور در گروه ۷ با حقوق مساوی شد که مورد قبول اعضای این گروه قرار نگرفت. روسیه صرفاً در مذاکرات و جلسات سیاسی اجلاسها شرکت خواهد داشت و حق شرکت در جلسات اقتصادی آن را ندارد.

دولت روسیه در این اجلاس خواستار بخشودگی پدیده‌های خود شد. دولت آلمان با ۷۵ میلیارد مارک که بزرگترین طلبکار این کشور است با این مسئله به شدت به مخالفت برخاست. این احتمال وجود دارد که بانکهای شخصی معروف به «کلپ لندن» که جزو طلبکاران خصوصی دولت روسیه هستند، اقلان مالی این دولت را اعلام نمایند. در این صورت دولت روسیه مجبور به بازپرداخت ۲۶ میلیارد دلار بدهی خود به این بانکها خواهد شد.

#### بیانیه پایانی اجلاس

با پایان یافتن اجلاس سه‌روزه کلن، رهبران سران هفت کشور صنعتی بیانیه‌ای انتشار دادند. در این بیانیه تقویت قرارداد بین‌المللی منع توسعه جنگ‌افزارهای کشتار جمعی، تقویت تدابیر خلع سلاح، همکاری در مورد امنیت، کنترل تسلیحاتی و کاهش خطرات برای محیط زیست نیز مورد توجه قرار گرفتند. در این بیانیه همچنین از دولت اسرائیل و فلسطینی‌ها خواسته شد تا هرچه سریع‌تر مذاکرات خود را از سر بگیرند.

بیانیه پایانی از مردم کوزوو خواست تا با اتحاد برای «ایجاد یک دموکراسی» متشکل از تمام قومیت‌ها در کوزوو، تلاش کنند.



یکی از موضوعات مورد بحث سران گروه ۸، بازسازی کوزوو بود. بازسازی مجدد محوره‌های ارتباطی، صنایع سنگین، کارخانجات تولید لوازم مصرفی، راه‌آهن، ایستگاه‌های قطار، کارخانجات پتروشیمی، صنایع تولید برق و ابرسانی میلیاردها هزینه دارد که یوگسلاوی به تنهایی از پس تامین آن برنمی‌آید. سران ۸ گفتند تا زمانی که «میوشویچ» بر سر قدرت باشد از کمک به بازسازی امتناع خواهند کرد. سازمانهای کمک‌رسانی غیر دولتی می‌گویند: ناپابودی تاسیسات یوگسلاوی زندگی را بر مردم این کشور تنگ کرده است و کمک به بازسازی امری سیاسی نیست. اتحاد اروپا و سازمان ملل اعلام نمودند طی سه سال آینده ۳/۷ میلیارد دلار برای بازسازی کوزوو اختصاص خواهند داد.

روسیه پشت در می‌ماند  
سرگئی استپاشین نخست‌وزیر

آلمان ارائه داد. سرود روز جمعه گذشته گفته بود: فقیرترین کشورهای جهان سوم از بازپرداخت بدهی‌های خود عاجز هستند و کشورهای صنعتی با بخشودن ۷۰ میلیارد دلار از این قروض شرایط مناسبی برای توسعه کشورهای فقیر در قرن آینده را پدید خواهند آورد. خانم «ریگو پرتا منجو» برنده جایزه صلح از گواتمالا در تظاهرات شهر اشتوتگارت گفت: چشم‌پوشی از ۴۰ درصد قروض کشورهای فقیر کافی نیست و این اجلاس، نیز در فراخوان جداگانه‌ای، تظاهراتی که در آن حدود ۲۰ هزار نفر شرکت داشتند را سازمان‌دهی کرد.

بیش از ۱۶۰ کشور جهان سوم در حدود ۲/۵ میلیارد دلار بدهی دارند. طرح بخشودن بدهی‌ها تنها محدود به فقیرترین کشورهای جهان سوم می‌شود. در آنسوی تمام هیاهوهای تبلیغاتی و «منت‌گذاری» سران کشورهای صنعتی، معلوم شد از آنجایی که کشورهای فقیر جهان سوم از بازپرداخت بدهی‌های خود عاجز هستند، قرار گردیده

## اتحادیه مجالس کشورهای مسلمان تشکیل شد

باشد، با صرف هزینه و انرژی زیاد نهاد جدیدی را که قاعدتاً نباید عمر درازی بیاید تشکیل داد. در دورانی که حتا سازمان کنفرانس اسلامی با سابقه و اعتبار معین خود در صحنه بین‌المللی بی‌اثر است، تنها علت تشکیل چنین نهادی به ابتکار جمهوری اسلامی این است که رژیم شاید بتواند توجه‌گر بی‌عملی خود از زمان به‌دست گرفتن ریاست این سازمان باشد. در زمانی که اتحادیه بین‌المجالس نیز با وجود گستردگی خود فعالیت محسوسی ندارد و در موقعیتی که اتحادیه بین‌المجالس عرب هم در لاک خود فرو رفته است، مشخص نیست که چرا تشکیل یک نهاد بنیادین آنان از نظر آقایان ضرورت پیدا کرده است. تجربه اتحادیه بین‌المجالس و نوع برخورد نمایندگان کشورهای عربی نشان می‌دهد که اگر آنان وقت و بودجه‌ای داشته باشند، قطعاً در جهت تقویت اتحادیه خود به کار خواهند گرفت.

نمایندگان مردم» در شرایط کنونی بین‌المللی دانست و خواهان «تقویت همبستگی میان مسلمانان با حفظ تنوع موجود میان آنان» شد. در آخرین روز برگزاری اجلاس، شورای اتحادیه مرکب از نمایندگان سه گروه جغرافیایی شامل آفریقا، آسیا و کشورهای عربی (چاد و مالی از آفریقا، بنگلادش و اندونزی از آسیا و عربستان و مغرب از کشورهای عربی) و کمیته اجرائی تشکیل شد. بر اساس مصوبات اجلاس، تهران به‌عنوان مقر دائمی دبیرخانه اتحادیه تعیین شد. دبیرکل اتحادیه نیز برای یک دوره ۴ ساله مشخص گردید. کمیته اجرائی ۷ نفره اتحادیه برای مدت ۳ سال انجام وظیفه خواهد کرد و ریاست آن بر عهده شورای اتحادیه می‌باشد.

به این ترتیب جمهوری اسلامی ایران که از زمان به‌عهده گرفتن ریاست سازمان کنفرانس اسلامی نتوانسته است در صحنه بین‌المللی منشاء اثر خاصی

اسلام و حاکمیت ارزش‌های اسلامی شگفت‌انگیز است. خامنه‌ای براساس این باورهای خود از شرکت‌کنندگان اجلاس خواست که «پیام حیات بخش اسلام را به جوامع صنعتی تشنه معنویت و خسته از مکاتب شکست خورده» برسانند و اظهار امیدواری کرد که روزی جهان اسلام شاهد برپایی مجلس مشترک نمایندگان امت باشد. با این وجود وی در بخش دیگری از پیامش که در تناقض روشن با جملات یاد شده است، از «تهاجم فرهنگی» غرب اظهار نگرانی کرد و امواج صوتی و تصویری را بدتر و نافذتر از کشتی‌ها و هواپیماهای جنگی دانست که با تبلیغ غربگرایی موجب ذلت و اسارت مسلمانان به خصوص جوانان می‌شوند.

اما در سخنرانی خاتمی عناصر بیشتری از واقع‌بینی مشهود بود. وی هدف تأسیس نهاد جدید را «تدارک مشارکت و تأثیرگذاری در تحولات بین‌المللی» و «تسهیل ارتباط و همکاری‌های

هفته گذشته نشست سالانه جهان و روسیه موسوم به «گروه ۸» در شهر کلن فدرال برگزار شد. در این نشست که به مدت سه روز به طول انجامید سران کشورهای انگلیس، کانادا، فرانسه، ایتالیا، آلمان، ژاپن، ایالات متحده آمریکا، و روسیه به بررسی مهمترین مسائل جهان پرداختند. موضوعات دستور کار نشست، بررسی کاهش بدهی‌های کشورهای جهان سوم، مسئله کوزوو، بازسازی اقتصاد خسارت دیده بالکان و اوضاع روسیه است.

رئیس پلیس شهر کلن «وایپریش گرانیتسکا» هفته گذشته اعلام کرد برای حفاظت از جان سران گروه ۸ از یک سال پیش کمیسیون مخصوصی تشکیل شده بود. ۱۲ هزار مأمور پلیس و گارد مرزبان و واحدهای ویژه ضد شورش طی سه روز اجلاس، شهر کلن را به تصرف خود درآوردند.

حدود صد هزار نفر در دو اجتماع جداگانه علیه این اجلاس دست به تظاهرات زدند. از مهم‌ترین خواسته‌های تظاهرکنندگان، بخشش قروض کشورهای فقیر جهان سوم از سوی کشورهای ثروتمند جهان بود. «پیمان کلن ۹۹» از منتقدین این اجلاس، نیز در فراخوان جداگانه‌ای، تظاهراتی که در آن حدود ۲۰ هزار نفر شرکت داشتند را سازمان‌دهی کرد.

#### بخش بدهی با کلاهبرداری

«اسکار رودریگس» استقف کشور هندوراس در این تظاهرات لیست سمبلیک بیش از ۱۷ میلیون امضا جمع‌آوری شده از سراسر جهان برای بخشش قروض کشورهای فقیر را به «گرهارد شرودر» صدراعظم

در روزهای پایانی هفته گذشته، هیات‌هایی از نمایندگان مجالس حدود ۴۰ کشور عضو سازمان کنفرانس اسلامی به دعوت سران رژیم در تهران گرد هم آمدند تا به پیشنهاد حکومت جمهوری اسلامی نهادی را که «اتحادیه مجالس کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی» نام گرفت پایه‌ریزی کنند. دبیرکل سازمان کنفرانس اسلامی، دبیر کل اتحادیه بین‌المجالس و معاون دبیرکل اتحادیه بین‌المجالس عرب نیز از جمله دعوت شدگان به اجلاس مؤسس نهاد مزبور بودند.

اصلی‌ترین دستور کار سه روزه اجلاس، تصویب اساسنامه اتحادیه و تعیین ارگان‌های آن و تعیین کلی‌ترین وظایف آن بود. در نخستین روز اجلاس پیام خامنه‌ای به اجلاس خوانده شد و پس از آن خاتمی سخنرانی کرد. خامنه‌ای در پیام خود بدون آنکه اشاره‌ای به منابع اطلاعاتی و آماری خود داشته باشد، ادعا کرد که سرخوردگی از تقلید بیگانه و بازگشت به اسلام به سرعت در جهان اسلام فراگیر شده و علاوه بر ایران که اسلام در آن گسترش می‌یابد، در دیگر کشورهای اسلامی هم سرعت گرایش به